



سال سوم نیمه دوم مهر ۱۳۶۸

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

مرگ بر جمهوری اسلامی مرگ بر تروریسم!

مزدوران رژیم شاه در کراچی
شور کردند.

اعتراف بناهندگان علیه این جنایت
صبح روز ۲۲ شهریور ۱۳۶۸ استانبول، یکی از
بناهندگان ایرانی مقیم کراچی، هنگامی که
عازم یکی از شعبات واسته دفتر سازمان ملل
در کراچی بود، مورد حمله مزدوران رژیم
تروریست و جنايتكار جمهوری اسلامی قرار گرفت
مزدوران وی را هدف رگبار مسلسل قرار داده و با
اسلحه‌ای گمراهی طرف سرش تیراندازی کردند.
پناهنده ایرانی 'گرچه از مرگ نجات یافت اما
وضعیت عمومی وی نگران کننده است.

بدین سبب در تاریخ ۸/۹/۲۰ برای اعتراض به
سپاه انکار و نمایندگی سازمان ملل در تاسیس
امنیت جانی بناهندگان و آوارگان در مقابل
دفا تر خود برای اعتراض به اعمال جنايتكارانه
رژیم اسلامی در حمله به بناهندگان و نیروهای
ابوزیسون در خارج، بناهندگان ایرانی مقیم
کراچی، به دعوت شورای بناهندگان و آوارگان

خارجی‌ها بمانند، فاشیست‌ها بروند، زنده باد همبستگی بین‌المللی



تظاهرات در برابر نشانی آلمان فدرال

عمدتاً بناهندگان ایرانی ترتیب یافت. برای
اطلاع خوانندگان پیام کارگر گزارش چند نمونه
از آنها را درج می‌کنیم:

مناسبت هفته خارجی‌ها و روز بناهنده در
آلمان فدرال، تجملات و آکسیونهای باشکوهی با
شرکت نیروها و احزاب مترقی و عناصر پیشرو و دوست
آلمانی و بناهندگان از ملیت‌های گوناگون و

بقیه در صفحه ۲

ملاقات یزدی با مادام کوپرو و ضد حمله حزب الله

آخرین دسته کلی است که نشان به آید دادگاه
ملاقات با لائوس مقام قضائی رژیم ماسسترون
خارجی، از بهر برادرین حاضرین خارج از
حزب الله را سال‌ها و تا تحمل از آنها رسیده
است. اما یزدی که در خارج از سازمان به داران
عزیز که اکنون منتظر راه افشادن بازسازی
هستند، تا سازبام اعتقاد و سپس دلیل در
استخانات دوره قبل مجلس! زدست است حزب الله
سیلی سختی خورده بود، کوشش به این حرفه‌ها
نه حکارنست. وی در ملاقات تا خانم "لیلی کوپرو"
آشکارا گفت که موضوع را جری کوپرو ارتباطی با مسائل
سیاسی بین دو کشور آزادی کورش فولادی ندارد و
صرفاً یک مسأله قضائی است! و تا کیدبر اینک

آیت الله یزدی که بعد از روی کار آمدن
رفسنجانی بجای اردبیلی به ریاست قوه قضائیه
انتخاب شده است برخلاف خاتمه‌ای ورفسنجانی،
بدون ملاحظات ضروری برای حفظ روحیه حزب الله
تا بحال به اقدامات جنحالی چندی در حمایت
فاطم از سرمایه داران و برداشتن موانع برقراری
ارتباط با اشیاطین و دشمنان امریکا دست زده
است. دفاع از قانونیت (اسم رمز دفاع از
مالکیت و سرمایه در حکومت اسلامی و اعلان جنگ
علیه حزب الله)، هجوم به دست یروشان، دستگیری
و جمع آوری آنها، تا کیدبر استقلال خود قضائیه
(یعنی عدم تمکین به فشارهای حزب الله) و...
اظهار تمایل به عفو آزادی را جری کوپرو سوس
انگلیسی و ملاقات با مادام کوپرو در خارج

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

سوسیا لیسم: در صفحه ۱۲
هدف در خودیای شیوه‌ها زمان ندهی
مصاحبه با وایدیم زاکلادین

در این شماره:

منوچهر محجوبی در گفتگوی
"پیام کارگر"

طنز و تاریخ طنز در ایران (۲)
در صفحه ۸

آلمان دمکراتیک

قورت دادنی نیست.

در صفحه ۱۰

مبارزه بناهندگان

در بایرن آلمان

در صفحه ۳

هنر

معرفی آثار داریوش کارگر

در صفحه ۵

درباره "فدرالیون شورایی بناهندگان ایرانی"

حزب کمونیست کومه‌له از کار کرده‌ای چه می‌فهمید؟

در صفحه ۶

خارجی‌ها بمانند، فاشیست‌ها

ادامه از صفحه ۱

برانشوا یک آلمان غربی: به منظور اعتراض به قانون ضدبنا هندگی جدیدی که دربارلمانا یالت نیدرزاکسن آلمان غربی بتمویب رسیده است، در تاریخ ۳۰/۸/۸۸ به دعوت و فراخوان حزب سبزها در برانشوا یک، یکتظا هرات سزرگ علیه اسممویبات غیرانسانی برپا گردید، در میان خارجیان شرکت‌کننده بنا هندگان ایرانی تقریباً نصف صفوف را هبیمائی را تشکیل میدادند. شعارهای "خارجی با بدبماند، فاشیست باید سرود" و "زنده بساد همبستگی بینالمللی" در طول راهبیمائی تکرار میگردد. راهبیمائی در طول مسیر در مقابل‌هایم بنا هندگی برانشوا یک ایستاده و نسبت به وضعیت سد زندگی بنا هندگان هاسم اعتراض کردند پس از پایان راهبیمائی ایرانیان بنا شرکت‌کننده در تظا هرات توسط فاعلین جنبش مقاومت بنا ... د هندگی بدسالمی دعوت شدند و دوشن از وکلای مترقی نسبت به عواقب قوانین جدید علیه بنا هندگان هندا ر توضیحاتی دادند. برابراین مقسرات متقاضیان جدیدبنا هندگی بسعدا زور و بدب آلمان فدرال در قرضیندکا مل بدون حق ملاقات و گفتگو با وکیل و غیره سگده شده و طی مدت کوتاهی (یک هفته)، وضع آنان مورد رسیدگی قرار گرفته و در صورت عدم پذیرش بعنوان بنا هنده، بلافاصله اخراج (دپورت) میشوند.

ملاقات یزدی با مادام کوپرو

ادامه از صفحه ۱

راجر کوپرو محاکمه شده و دوران محکومیت خود را میگذراند، اظهار امیدواری کرد که احتمال عفو کوپرو سوی مقام رهبری وجود دارد و بعنوان یک انسان (!) میدواید و راست که وی هرچه زودتر مورد عفو اسلام قرار گیرد. البته یزدی برای سستن دهان امت حزب الله، با شومین حدیده آنها، ترور نیست معروف کورش فولادی نیز ملاقات کرده و طبق گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی از وی دلجوئی بعمل آورده. اما در همان حال بازه استقلال قوه قضائیه در رژیم اسلامی (یعنی عدم تمکین‌ش به فشارهای حزب الله) تا کید کرد. گردنکشی یزدی عدم ملاحظه اش در رعایت هرات چنان برای حزب الله مغشوب شده گران آمده که حتا ینکار معروف خلخالی در مجلس بصدا در آمده و نسبت به اقدامات

مرگ بر جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۱

رکمیته بنا هندگان و آوارگان بلوچ ایرانی در مقابل ساختن نما بندگی سازمان ملل دست به اعتراض زدند. تظا هرات‌کنندگان در قطننا مه بایانی اعمال جنایتکارانه انهرژیم اسلامی و سیاست منغلانته و غیرمسئولانه مقامات سازمان ملل در کراچی را محکوم کرده و خواهان اقدامات قانونی و انسانی و اداری از طرف نما بندگی سازمان ملل گردیدند. آنها

ها نو فر آلمان غربی: ساعت ۳ بعد از ظهر روز جمعه ۲۹/۹/۸۹ بیناست هفته خارجیا، تظا هراتی با شرکت بنا هندگان و کارگران از ملیت‌های مختلف از جمله ترک، اسپانیائی و ایرانی و نیروهای مترقی و بشردوست آلمان برگزار گردید. تظا هرات از مسیسر بیرفت و آمدوسکونت خارجیا عبور کرده و متنبائی در انشای سبائتیای فدخارجی دولست آلمان و وضعیت بنا هندا ر زندگی بنا هندگان و کسلا خارجیا خوانده شد.

هانفر آلمان غربی شنبه ساعت ۹ شب توسط نیروهای فدخاست آلمان غربی در شهرها نو فر تظا هراتی در میدان اصلی شهر برپا گردید. بنا هندگان ایرانی و ترک با شرکت در این حرکت از خواهشهای آنان حمایت کردند. پلیس آلمان فدرال بطور غیرعادی بیج شده بود تا از اقدامات احتمالی نیروهای فدخاست جلگیری کند. شعار اصلی این تظا هرات نبسز خارجی بماند، فاشیست برود" بود. تظا هرات تا ساعت ۱۱/۳ شب ادامه داشت و تعدادی از شرکت‌کنندگان در تظا هرات به یک دکمه محل تجمع فاشیست‌ها حمله کردند که یکی از آنها توسط پلیس دستگیر شده

ها یدلبرگ - آلمان غربی: روزیکشنبه اول اکتبر (روزبنا هنده) که در همه جهان بعنوان روزبنا هنده شناخته شده است، بنا هندگان ایرانی مقیم شهرها یدلبرگ آلمان فدرال مراسمی را برگزار کردند. تمایب مراسم همبستگی و اتحاد بنا هندگان برای احقاق حقوق انسانیشان

مقامات عالیله کشور بدون اینکه اسمی از آنها ببرد حمله کرده، اظهار داشت که طرفداران واقعی امام بالاخره به مقامات خود برخواهند گشته و حذف آنها نخواهد توانست ادامه یابد. برای تکمیل کردن گرمخالعت خوانی و ایجاد مانع در مقابل رستخانی و آدمهاش، ۱۰ نفر از نما بندگان مجلس طی نامه‌ای با شول به اصل ۸۸ قانون اساسی رژیم، خواهان حضور وزیر دادگستری در اولین فرصت در مجلس و توضیح پیرامون اظهارات رئیس قوه قضائیه شدند.

آنها در نامه مزبور که سشترشیا هت استیضاح دارد خواهان حواب در مورد سه مساله ی زیر شده اند:

"۱- وجه ملاقات بالاترین مقام قوه قضائیه با یکی از بستگان فردی که به جرم جاسوسی و خیانت به اسلام و انقلاب محکوم شده است چیست؟

۲- وجه این که ایشان پیشقدم در طرح مسئله

بود و بدعوت کمیته برگزاری برخی از احزاب و جریانات سیاسی مترقی آلمانی از جمله حزب کمونیست آلمان و حزب سبزها به حمایت از خارجیان و بنا هندگان در مراسم شرکت کرده و نما بندگان رسمی خود را فرستاده بودند. شرکت‌کنندگان که در حدود ۳۰۰ نفر میشدند، با رقص و پایکوبی، خواندن متنبائی انشا گوارا، ندرهنگ و هنر خود در تقویت همبستگی بینالمللی مظلومین کوشیدند. براساسی حیران‌کننده بود:

۱- فقرات بنا نیمه زمان آلمانی وفا رسی سمناسبت روزبنا هنده، ۲- رقص و آواز کردی، موسیقی و آواز ترکی، فارسی ۳- غذاهای ایرانی ۴- فقرات پیام همبستگی احزاب و جریانات مترقی آلمانی ۵- فقرات قطننا مه و طرح خواهشهای بنا هندگان که بقرا رزبرسد:

۱- قطع رابطه دولت آلمان با جمهوری اسلام می ۲- مبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی ۳- رسیدگی فوری به وضعیت متقاضیان بنا هندگی خصوصاً آنها یی که در مقام حبس اول هنوز به عنوان بنا هنده شناخته نشده اند. ۴- سرخورداری کامل از حقوق اجتماعی مانند (حق کار، تحصیل، داشتن مسکن مناسب، آزادی مسافرت بدون کسب اجازه مخصوص از پلیس و بویزه حق رای برای خارجیان از بدو و روده آلمان فدرال.

در این قطننا مه را دیگر بنا هندگان به اتحاد و همبستگی برای مبارزه در راه کسب حقوق خویش دعوت شدند.

عفو شده اند، چیست؟

۳- چون این ملاقات با سیاسی داشته است آیا با قوه مجریه هما هنگ شده بود یا خیر؟

آنها زیرکانه در بند سوم با طرح سؤال در جریان بودن یا نبودن قوه مجریه یعنی جناب رئیس جمهور رستخانی، تصادفهای او را در بند میداند که همه چیز زیر نظر او متحدش خا منه ای پیش برده میشود اما رستخانی زیرک تر از آن است که خود دم به طه دهد. در حتما گذشته و هندا اقدامات رسوا سرای هموار کردن راه ارتباط با غرب توسط مقامات درجه دوم و سوم پیش برده است تا خود را مظان انجام دورسما ند، با کسترش فشار و حذف حزب الله، مقاومت و ضدحمله و نیز سنگین تر شده و خراب سازی هنوز در گل مانده. آیا فتوای تازه "تایت اللسه" خا منه ای به تقلید زخمینی، مبنی بر واجب شرعی دانستن حمایت از مسئولین و مقامات کشور، گریه از کارخوا هگشود؟

آوارگان منجر گردیده است. شرکت‌کنندگان در تظا هرات با شعار "سرگون با درژیم ارتجاعی ایرانیان زنده" با اتحاد همبستگی بنا هندگان و آوارگان سراسر جهان، به حرکت خود خا منه دادند رفقای هوادار سازمان در کراچی فعالانسه در این حرکت و در حمایت آن شرکت کرده و همراه فعالین هسته اقلیت و هواداران جریکهای فدائی خلق در کراچی و برخی از اعضای منسردسنا سسی اعلا هیه مشترکی در افتای این جناسات و در حمایت از حرکت‌های اعتراضی منتشر کردند.

همچنین خواستار شدند که اقدامات عاجل سرای معالجه و درمان بنا هنده مزبور از طرف سازمان ملل صورت گیرد و اجباری بودن شرکت در کلاسهای سازمان ملل و تجمع بنا هندگان در یکجا با توجه به نبود پلیس محافظان و در مقابل دفاتر و شعبات نما بندگی سازمان ملل پلیس سرای حفاظت از جان بنا هندگان گمارده شود. ایسن چندمین حمله تروریستی به جان بنا هندگان و آوارگان ایرانی در کراچی پاکستان توسط رژیم است و تا حال به ریختن خون تعداد زیادی از

درباره "فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی"

حزب کمونیست کومه له از کجا رتوده ای چه میفهمید؟

اخیراً تشکیلی به نام "فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی"، اعلام موجودیت نموده است که سرمبنای اسنادا ولیه تاسیس آن، متعلق به حزب کمونیست کومه له، اما با ظاهر مستقل و دموکراتیک است. شکل مزبور که به خود اجازه نمایندگی پناهندگان ایرانی را داده است و خود را به این عنوان اینجا و آنجا معرفی نموده علیرغم بی خبری توده پناهندگان و بی تفاوتی آنها در قبال قیام مزبور - فعالیت خود را شروع کرده است. ما در نوشته حاضر به نقد فدراسیون مزبور که تجسم گویای شیوه فدموکراتیک و قیام ما با نه کومه له در رویکرد به کارهای دموکراتیک است می پردازیم.

بدون نگاهی را از "اهداف و مقررات کلی" آن جهت آشنائی ذکر می کنیم؛ در سندها اهداف و مقررات کلی "آنها از مبارزه برای خواسته های صنفی، تسهیل امر پناهندگی، ایجاد تسهیلات فرهنگی و اجتماعی، آشنا کردن افکار عمومی با اوضاع ایران و حمایت از پناهندگان، سختگویی از جانب پناهندگان ایرانی و همبستگی با مبارزات کارگری سخن گفته اند. علاوه بر آن عضویت افراد صرف نظر از ملیت، مذهب و عقیده (جز کسانی که اساساً ارگانهای سرکوب دوزیم همکاری نموده اند) آزاد اعلام شده و بر تعهد "در قبال تقویت مبارزات کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" تاکید شده و به احزاب و سازمانهای سیاسی که از مرام "کارگری و سوسیالیستی" پیروی می کنند اجازه داده شده دورن شوراها تحت نام خود فعالیت کنند و فعالیت احزاب و گروههای حاکمی دوزیم تحت نام خود، در این شوراها منع شده است. مجموعه اسناد منتشره توسط هیئت موسس که از جمله فعالین

حزب کمونیست کومه له و با عناصه سرپیرا مونی این حزب هستند تهیه و بنا به گفته خودشان بعد از توافق این عده بر سر آنها، اعلام گردیده اند.

بی آوری بیک سیاست، بیک کارنامه

نقد ما بر فدراسیون مزبور، ناگزیراً زیاده آوری یک کارنامه، کارنامه سیاست حزب کمونیست در قبال تشکیلاتی دموکراتیک آغاز میشود زیرا بدون چنین کاری نمی توان به درستی درباره اهداف واقعی تشکیل فدراسیون مزبور سخن گفت. سیاست تاکنونی حزب مزبور در قبال تشکیلاتی دموکراتیک را می توان در چند محور خلاصه نمود: مخالفت با غیرایدئولوژیک بودن تشکیلاتی توده ای و دموکراتیک، مخالفت با تشکیلاتی توده ای مستقل که خارج از کنترل آنها بوده و سیاست فعال در خواست بکاری و بنا بودی تشکیلاتی دموکراتیک را از طریق دادن رهن به دعاوای فرقه ای، در کنار سیاست مزبور هر جا که امکان داشته است، سیاست ایجاد تشکیلاتی دست نشانده چه با همکاری با گرایشها مشابه و چه اساساً دنبال شده است.

حزب کمونیست کومه له در خارج از کشور همواره مخالف غیرایدئولوژیک بودن تشکیلاتی توده ای بوده است. این حزب مدافع پیگیر آن نوع تشکیلاتی بوده که این با آن فرد را به دلیل داشتن یک گرایش ایدئولوژیک معین از عضویت محروم می کرد. اکنون سیاست مزبور سعت شکست عملی و نیز اجبار به دموکراتیک و انود کردن فدراسیون دست ساز، تا حدی تعدیل شده است اما جوهر فدموکراتیک آن همچنان با بر حاست به این دلیل که اکنون همه پناهندگان می باید در یک "فدراسیون چپ" جمع شوند و اگر هم نشوند

بقیه در صفحه ۶

تحصن و با یکوت غذا در دیتن هوفن با یرن

هما نظوری که در بیام کارگر شما ره قبل سده اطلاع خوانندگان رساندیم، در شهرداری هوفن آلمان فدرال که در ۳۰ کیلومتری شهر بزرگ نورنبرگ از ایالت بایرن قرار دارد، پناهندگان ایرانی همراه با پناهندگان ترک، کرد، سریلانکا و عرب در یک هایما مکان بسیار محدود ساکن هستند. با اکثریت پناهندگان حتی در دادگاه دوم جواب قبولی نگرفته اند و در وضعیت بسیار نامناسبی بسر میبرند. غذا را بصورت جیره دریافت می کنند و لباس را بوسیله کوپن تهیه میکنند. و از این رودر طول اقامت بلند مدت خود در آنجا تنها از حق مسافرت، درمان مناسب، مدرسه و کلاس زبان مناسب برخوردار نیستند، بلکه نمیتوانند یک وعده غذای دلخواه و مورد پسند خود را داشته باشند و لباس مورد دلخواه خود را نتخاب نمایند. اغلب پناهندگان تجارب بسیار تلخی از کوپن لباس و تحقیرهای وارده از آن طریق دارند. از اینرو پناهندگان ایرانی ساکن این هایم پس از عدم دریافت جواب و عکس العمل نسبت به نامه سرگشتهان به دولت محلی در تاریخ ۸/۱۶/۸۹، نامه دوم را تا تاریخ ۸۹/۹/۲۹ به همان دولت نوشته و همزمان به تحصن و با یکوت غذا شدت زدند.

پناهندگان ساکن در اینجا از جمله سریلانکا، شیها از حرکت پناهندگان ایرانی حمایت کرده

و همان خواسته را طرح کردند. ۷۰۰ نفر از پناهندگان کرد ترکیه، ضمن حمایت در حرکت شرکت کرده و از فرستادن بچه های خود به مدرسه خودداری کردند، تا زمانی که مقیم محل را به این طریق از اعتراض خود مطلع گردانند. تحصن به کمک حزب سبزها در شهر آسناخ بعد از دو هفته در خیابان پررفت و آمد شهر ادامه یافته و در طی حرکت خواست پناهندگان و وضعیت غیر انسانی، سرکوب، شکنجه در ایران طرح گردید. تحصن روز جمعه ۸۹/۱۰/۱۳ خاتمه یافته اما با یکوت غذائی ادا نمیدارد. پناهندگان هایم که از گرفتن بسته های غذا خودداری میکنند در وضعیت بسیار بد مالی و غذائی قرار گرفته اند، علیرغم حمایت برخی از جریانات شرقی سیاسی محلی از جمله سبزها و ۱۰۰۰ خواهست پناهندگان، هنوز از طرف دولت محلی پاسخی دریافت نشده است. ما همه پناهندگان و تشکیلات و کانونهای پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال را جهت همبستگی و کمک به پناهندگان دیتن هوفن فرا میخوانیم.

تجدید فعالیت انجمن پناهندگان

مقیم اشتوتگارت

انجمن پناهندگان ایرانی مقیم اشتوتگارت که در سالهای اخیر یکی از کانونهای پرتحرک پناهندگی در آلمان بویژه در جنوب این کشور و از شرکت کنندگان در سمینار پناهندگی کانوشها در هوفن و ها سورگ بود و در یکسال گذشته بدلیل

انتقال برخی از فعالین آن از اشتوتگارت و برخی مسائل و اختلافات اساسی دجاریت در فعالیت گردیده بود، با تمویب منشور و اساسنامه جدید دوره دیگری از فعالیت خود را آغاز کرد. هدف اصلاحات در اساسنامه قبلی کانون فراهم کردن زمینه شرکت و فعالیت همه طرفداران حقوق دمکراتیک مردم ایران، حقوق خلقها، برابری حقوق زنان، اقلیتهای مذهبی و مدافعین آزادی بیان و عقیده در ایران بوده است. انجمن فوق وظایف خود را بر ترتیب زیر در اساسنامه تعریف کرده است:

۱- سازماندهی اقشار پناهندگان حول خواسته های صنفی - سیاسی فرهنگی و تلاش در جهت رفع مشکلات و ایجاد تسهیلات رفاهی برای ایشان ۲- تلاش در جهت جلب حمایت افکار عمومی جهان، سازماندهی بیطرف بین المللی احزاب و سازمانهای دمکراتیک، شخصیتهای مترقی در مسوورد پناهندگان ۳- افشای همه جانبه و اعمال فشار علیه رژیم جمهوری اسلامی ۴- دفاع و پشتیبانی از زندانیان سیاسی، حقوق خلقها، برابری حقوق دمکراتیک زنان، حقوق اقلیتهای مذهبی، دفاع از آزادی بیان و عقیده و کوشش در جهت دفاع از صلح پایدار ۵- این انجمن به هیچ حزب و گروه و یا سازمان خاصی وابسته نیست و هیچ فردی حق هیچگونه تبلیغات له و یا علیه هیچ جریان سیاسی را در محل انجمن ندارد و انجمن موظف است بمحض مشاهده عواملی که اهداف فدموکراتیک و فرصت طلبانه را در پیش دارد از مجمع عمومی بخواد تا این اشخاص را از انجمن اخراج نماید.

مجمع تشخیص صلاحیت دار با ردیگر تشکیل شد

مجمع تشخیص صلاحیت نظام که به دستور خمینی و برای گریز از برخی از تناقضات و حل مشکلات رژیم در میان ارگانهای متضاد ایجاد شده بود، قبل از مرگ خمینی با اعتراض نمایندگان مجلس بحالت تعلیق درآمد. اما با زبینی قانون اساسی اسلامی این نهاد تا نوبت پدید آمدن آن در ماه ۱۳ مهر ماه دستور تشکیل دوباره مجمع تشخیص صلاحیت را به رفسنجانی ابلاغ کرد. و افراد زیر را به مدت سه سال به عضویت آن درآورد، فقهای شورای نگهبان، روسای سه قوه، وزیر مربوطه، رئیس کمیسیون مربوطه در مجلس، مهدوی کنی، یوسف صاغی، احمد خمینی، موسوی خوئینی ها، محمدی کرمانی، حسن صاغی، محمدرضا توسلی، عبدالله نوری، میرحسین موسوی. ریاست این مجمع و اداره آن برعهده رفسنجانی خواهد بود. با ندخا منهای، رفسنجانی با ایجاد این مجمع در واقع ارگانی بر فراز ارگان های دیگر، مثل مجلس، قوه قضائیه و شورائی نگهبان ایجاد کرده اند، تا از این طریق برنامهای خود را پیش ببرند.

رفسنجانی دعوت از متخصصین ایرانی مقیم خارج

آلگمانیه "منتشره در آلمان فدرال، طی مقاله ای با اشاره به حرفهای رفسنجانی مطرح کرده است که از تابستان امسال تاکنون در ایران در مورد سازای فقط حرف زده میشود. این روز نامه با توجه به مهاجرت و فرار ۳ تا ۴ میلیون ایرانی که در میان آنها صدها هزار متخصص نیز وجود دارند اظهارات رفسنجانی را قابل فهم نموده اما با زکشت عده زیادی از آنها را بنا به دعوت رفسنجانی بعید دانسته است.

رفسنجانی در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید که در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار گردید، ضمن تاکید بر رسالت دانشگاهها در مرحله جدید از متخصصین ایرانی مقیم خارج — برای همکاری با دانشگاههای کشور دعوت کرد. وی گفت: "ما باید در مرحله کنونی کشور را زیر و رو — برای متخصص استفاده کنیم، هر چند شرایط گزینشهای ما را در حد عالی نداشته باشند".

در همین رابطه روزنامه پرتیراژ "فرانکفورت

مشکل گمرک فرودگاه را "ضد انقلاب" بوجود میآورد

مقابله جدی خواهد کرد. محمدخان رئیس کل گمرک نیز ضمن اعلام اسن مطلب که رئیس جمعهوری دست داده است طرح و چراغ قرمز سوز در گمرک فرودگاه ایجاد گردد، اضافه کرد که مسافری در هوا پیمایان را به های گمرکی تنظیم خواهند کرد و تا ۵ هزار تومان از گمرک معاف و بیش از آن تا ۱۰ هزار تومان گمرک خواهد برداخت. وی ادعا کرد که در گمرک با دستگای پیچیده ای از ورود و خروج کالاها ی تجملی و ممنوع جلوگیری خواهد کرد.

۱۱ ایجا دکانال سبز و قرمز در گمرک فرودگاه مهرآباد
۱۲ تا ۵ هزار تومان از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.

رفسنجانی در گزارش خود بعنوان رئیس جمهوری در نماز جمعه ادعا کرد که پس از تحقیق دقیق در گمرک فرودگاه معلوم شد که مردم برای ورود و خروج مشکل دارند. این مشکل را فقط "ضد انقلاب" بوجود میآورد و دولت با اسن معضل

ادعای باور کردنی؟

آقای حمیدزاده معاون رئیس جمهوری در امور اجرایی و رئیس ستاد بازاری و نو سازی کشور به مناسبت چهارمین روز از هفته جنگ ارتجاعی اعلام کرد که بازاری کلیه شهرهای جنگ زده تا سال ۷۰ (یعنی دو سال دیگر) به پایان خواهد رسید. البته وی گفت که کار بازاری ۴۰ شهرها از ۶۵ شهر آسیب دیده در طی سال جاری به پایان رسیده است و بازاری ۱۱ شهر باقی مانده یعنی خرمشهر، آبادان، بستان، مهران، دهلران، مریوان، قصر شیرین، گیلان غرب، موسیان، نوسود و سومار تا پایان سال ۱۳۷۰ انجام خواهد شد.

با توجه به لیست شهرهای فوق که آقای حمیدزاده قول بازاری آنها را در دو سال آینده داده معلوم نیست که چگونه ایشان و دولت متبوعش در یکسال گذشته ۵۴ شهر را بازاری کرده اند. شاید منظور ایشان شهرهای استان خراسان، مازندران، گیلان، مازان و غیره است.

۱۲ درصد از سهم بازاری به ایتالیا رسید

فلسطین خواهد کرد. همزمان شرکت ایتالیا شایبیا جوا اعلام کرد تا پایان سال جاری میلادی قطعات کامل ۹ هزار دستگای موتورسیکلت گازی را به ایران ما درخواهد کرد. شرکت مزبور همچنان اعلام کرد که در صد ساخت موتورسیکلت های اختصاصی برای بازار ایران به نام "جبلر ۱۲۵" است. موفقیت مرتجعین حاکم در گسترش حراج منافع طبیعی و معدنی و غارت کبیره زحمتگاران کشور تحت نام و شعار بازاری قابل توجه است!

روبرتوروسی معاون وزیر تجارت خارجی ایتالیا در گفتگویی در تهران با خبرنگاری ایتالیا اظهار داشت که مجلس ایران تا پایان سال جاری شمسی بودجه برنامهای پنج ساله اقتصادی کشور را که بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار است تصویب خواهد کرد. وی پیش بینی کرد که راسن رقم ۱۰۰ الی ۱۲ درصد ضرورت بروردها شایبیا ایتالیا و همین رقم سه برابرین واگذار خواهد کرد. وی گفت ایران ۵۰ درصد از برود خشیهای خود را بصورت ارزی و نقدرا از درآمدهای نفتی و معادن، خصوصاً مس، سرب و

طرح ادغام نیروهای انتظامی

حجت الاسلام منتجب نیا نماینده خاتمه یورئیس سازمان عقیدتی سیاسی در شیرانی در گفتگویی خبرنگاران اعلام کرد که بزودی لایحه طرح ادغام نیروهای شیرانی، کمیته و ژاندارمری به مجلس برای تصویب داده خواهد شد. وی گفت که نمایندگان مجلس و دولت در صددند که هر چه زودتر این نیروها ادغام شده و تحت یک لباس متحدالشکل با عنوان پلیس انقلاب خدمت نمایند.

جدول خاموشی احتمالی برق در هفته آینده اعلام شد

روز	۱۳-۱۲	۱۴-۱۲	۱۵-۱۲	۱۶-۱۲	۱۷-۱۲	۱۸-۱۲	۱۹-۱۲	۲۰-۱۲
۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۲	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۳	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۴	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۵	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۶	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۷	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

خاموشی دوره ای بعنوان یکی از اجزای زندگی روزمره مردم مادرآمده، شاید برای مردمی که با سیاست با این پدیده زندگی میکنند چندان غیرعادی نیز جلوه نکنند چرا که عادت کرده اند با سختیهای بیشتر از این هم بسازند. اما میتوان دید تصور کنید در کشورهایی پیشرفته با این وضع چه عکس العملی نشان میدهند؟ راستی چه احساسی نسبت به زندگی هم وطنانمان در داخل کشور داریم؟

سرویس اقتصادی برنامه خاموشی شرکت های برق منطقه ای تهران و اصفهان ترهفته آینده بر مبنای ۲ ساعت در شبانه روز اعلام شد. لازمه توضیح است: اعداد داخل جدول، گروههای شش گانه خاموشی هستند که در صورت کمبود تولید در شبکه سراسری، طبق برنامه خاموشی خواهند داشت.

"شادی کوچکی که در چشمان زین سرق می انداخته صورتش را گل انداخته بود و تنگه ها شای از جوانی اش را، که لایق حروکیهای بسنا نیوز سرچشمه ها، سوسی تک و توک تا، های سفید موها پیش کم شده بود، تسوی تسم و منبکس میکرد.

— امروز وقتی بنجا تو من ها حرا نومویس می دادم پیش گفتم به قوطی، همه اش انداز می هفت هشت تا سیگار، از توتون شوهرش سیمون قرضیده... او نم نگفت نه!

آتش نگاه زن در تن مردگرما دواند، گونه هایش داغ شد، دستش را حلبرد و آرم آرم بوسا حتما ط بسته را از دست زن گرفت، نگاهی به چشمان او انداخت و لب جنبانند، اما عدا پیش در دنیا مد، تسم زن با زتر شد و گفت:

— به دونه بیچ! خستگیتو در میکنه...

مرد در لای پکت را که چند دور تا خورده بود با زگر دو باره نگاهش روی زن لغزید، تسم غلیظی لبها پیش را رنگ زد و خستگی از تنش رها نده...

این حش و این شادی و عشق زلال اما دینی نمی پاید مرد به این فکر است که تنها فرزند کوچکش را در گونی ذغال جا دهد تا گونی، هنگام فروش چند کیلو سنگین تر شود، تصویری که در ایوش کارگر هنگام جادادن پسرچه در گونی ذغال بتوسط پدرش بدست می دهد و گفتگوشی ایندو با هم، چندان طبیعی و استادانه و در عین حال وحتشناک است که پنجه های آهین و زهرناک واقعیت زندگی اکثریت جا معی ما را بر قلب و ذهن خواننده بیرحمانه می کشد، پسرچه در گونی ذغال قرار می گیرد، گونی در بازار وزن می شود و پولش را بدست مردمی دهند، نیمه شب، پدر در انبار ذغال می گردد تا فرزندش را بیابا بدوا زگونی ذغال بیرونش کشد، دستش در تاریکی به گونی ها می خورد ذغال ها سرریز می کنند بر کف اشنا و فرزند سیاه — شده اش بیرون می افتد.

حادثه ای رخ داده و روند داستان وقتی با زبان و فضا سازی داروش کارگر به هم می آمیستد، کلیتی می سازد که هر خواننده ای را سی تردید اسپر خود می کند، داروش در این مجموعه داستان نشان داده که در انتخاب موضوع، سبب گجراه نمی رود و شناختن از سبب ترین جزئی — ترین زوایای روح آنچه می پردازد، چندان است که به طبیعی ترین و واقعی ترین شکلی می تواند موضوع انتخاب شده را بگونه داستان زبسا و شیوا سپرد. زبان بخته و حافنا دهی اونیز باری می کند تا اثری کم نظیر در این نخله از داستان نویسی معاصر ایران سیا فرزند.

اگرچه وجود رژیم سیاه اسلامی، همه ارزشهای فرهنگی و ادبی ما را واژگونه کرده و به آن رنگی دیگر زده است، اما آثار کسان چون داروش کارگر، قطعا در زیر غبار و پشت به نمی ماند و نقش واقعی آنان در ادبیا تا امروز ایران مورد ستایش همه روشنفکران، کتابخوانان و دوستداران ترقی و بشفرت فرهنگ و هنر ایران است.

معرفی و نقد کتاب

شبت شاهترین و غمبارترین لحظه های زندگی

در کارهای داروش کارگر

آدمها می فریبند و گاه واقعیت عمت بودن رویایش غمبارترین لحظه های جنون آور آن را نقش میزند.

و این در زبان محکم، تراش خورده و حافنا دهی داروش کارگر، به صمیمی ترین شیوه موج میزند. داروش کارگر در این قصه ها، خود، گویی آواز زنان را می سراید، اندوه نداشتن را و شادی به کف آوردنش را، وحه زیبا و دلنشین می سراید، به یکی از هفت داستان این مجموعه نگاه کنیم — گوشه های بی از "آواز زنان" را شنویم: نخستین داستان، "ذغال". شروع داستان اینگونه است:

"... تا شب عید جا رها کردیم به خونه داریم، جا رتا شمشد تو من میشه به عیارت دوزها رو جا رت تو من... چار ت... زن، چشم دوخته به دهان مردش، لب جنبانند:

— جا رتا سی روز میشه صدوبیس، روز، جا رتا صدوبیس تا نون میخوایم... مرد، دلخور از سردرگمی حسابها، سر بلند کرد و تسوی صورت زن براق شد:

خو است کجاس زن؟ مگر سر کج خور بیدم که لوسا بخوریم؟ سنگ میخوریم، آدم با سنگ زود تر سیر می شد، تازه، سنگ به خوبی داره که دل درد نمی آره"

این تصویری است که از گفتگوی مرد و همسرش در باره ی وضع زندگی این خانواده در همان سطرهای نخست داستان می فهمیم. مرد، بیگنا راست و دربی یافتن ممر در آمدی، وزن، تنها غمخوارش، که گاه با فروش کوبش از چیزهای لازم تر را فراهم می کند. تمام فضای زندگی آنها، بافتن این هیمت سرای آوردن نان به سفره ی خالی.

سر انجام قزایی شود که مرد در سال چندگوره جدا برود و از آنها ذغال بگیرد برای فروش. مرد اما دست تنهاست، دوپسرش در چپه اند، پسر خردسالش، تنها کسی است که مرد بفرگردد که گرفتن از او می افتد. و وقتی هر دو به این نتیجه می رسند که اگر بشود ذغال تهیه کرد، هم می توان بسوزل فروش را به زخمی زد و هم حسران سی نفتی را کرد، و نیز هر دو به کمک گرفتن از پسر خردسالشان در پس کار، گردن می نهند، یعنی وقتی هر دو می بیند که کوبا حنما ل گشایش روزنی در زندگی شان هست، جشن می گیرند، و چه با شکوه:

مجموعه داستان "آواز زنان" مشتمل بر هفت داستان "ذغال"، "سرنج"، "دکمه فشاری"، "دفتر"، "سیب"، "تسبیح"، "شفشه"، نوشته داروش کارگر بدستما رسید، پیش از جمعهای فهرست داستانها داروش کارگر نوشته است: "نه غیرا زاسا می، کلیه ی شخصیتها و حوادث داستانهای این مجموعه، واقعی هستند و هرگونه عدم شها احتمالی سین آنها با آدمها و حوادث غیر واقعی، بکلی تصادفی است!"

این تذکر غیر متعارف و غیر معمول در ابتدای کتاب، خواننده را با کنکاوی بیشتری به درون داستانها می کشد و آنچه می بیند، از همان ابتدا، به حیرتش و امیدارد. آدمها همچون فضای داستانها و همچون حوادثی که در متن داستانها رخ می دهد و واکنش آدمها در قبال آنها، چندان واقعی اند که همچون تازیانه سرگونه های خواننده فرود می آید و هر چیزی را — جز فضای داستانها — به پشت برده های پسین ذهن می برند، آدمهای مجموعه داستان "آواز زنان"، همه لگد کوب شدگان هستند که زلالی عشق و شادیهای بزرگ زندگیشان که در کوچکترین نگاهها و کلمات می کشند، حقیقت است و جدال رنجبارشان در تالاب زندگی اجتماعی با آنچه هست، یک واقعیت است و واقعیتی که از پدر، فرزند را قربانی می گیرد، بشاریف ترین انسانها را به التماس ناگزیر در حجره ی تاجران دم کلفت با زار می کشد، کارگر را بیخا نهار با ظر برداشتن چند سرگ کا غذا زرده بیرون برای دفتر مشق دخترش، اخراج می کند، پسر بچه ی یکسال لب به سبب زرده را بعد از زرد بدن چند سبب، همد ف گلوله ی سیخی قزای می دهد، کارگر اخراجی را که به تسبیح و دست تسبیح فروشی رو آورده، به حرم سد معبر به زیر پشت و لگد با سدا را نمی اندازد و دست آخر با گلوله ای به عصیان انفا ریاش سر "حافظان نظم" با نان می دهد، با آب پاشی که از آب گل لودجوی، بر آب شده، گل سرما بهی دست فروش را همچون شفشه ای می خیساند و نونا بود می کند، و همه سرای آنکه حستجوی نا برای این مردم در درسزمین گشته ما، سی ستمه است و نشها زنان، آواز آن می ماند که گاه تصور حضورش در سفره های خالی، زلال ترین لحظه های شاد در در زندگی

درباره "فدراسیون" . . .

ادامه از صفحه ۳

فدراسیون مزبور با نام آنها سخن خواهد گفت. ملاحظه می‌کنیم که اصل دعوی ما در این مورد با حزب کمونیست بر سرهای خود باقی است. این حزب در گذشته به بهانه مخالفت با این یا آن حزب و گروه سیاسی، عفویت در تشکلهای پناهندگی را در عمل برای توده پناهندگان منع می‌کرد زیرا آنها مجبوری پذیرش یک اظهار نظر سیاسی و ایدئولوژیک معین در اساساً نمی‌شدند و اکنون کمی تخفیف داده پناهندگانی را که پلاتفرم "چپ" فدراسیون مزبور را بپذیرند به عفویت دعوت می‌شوند. این که پناهندگان در عین داشتن نظرات سیاسی و ایدئولوژیک مختلف، یعنی از جمله نظرات غیر "چپ"، حق دارند و باید متشکل شوند، کماکان مورد پذیرش حزب مزبور نیست.

و اما مخالفت جریان مزبور با هر گونه تشکل مستقل توده‌ای تا آنجا پیش رفته است که چنین تشکلهای در خارج از کشور تا جایی که فعالیت خرابکارانه حزب بوده‌اند، فی‌المثل در آلمان فدرال، به دلیل فرقه‌گرایی و عدم توجه به خواست و منافع عمومی پناهندگان، در تشکلهای دموکراتیک انشعاب ایجاد شده و حزب مزبور در آخرین سمینار این تشکلهای هامبورگ، اتحاد آنها را ملامتی نمود. اینکه این سیاست مضمون اصلی فعالیت دموکراتیک حزب مزبور است تشکلی می‌دهد است با مجموعه قابل ملاحظه‌ای از فاکتورها و شواهد قابل اثبات است و فعالین تشکلهای دموکراتیک در کشورهای مختلف، خرابکاریهای جریان مزبور را در دو وجه عمده به خوبی حس کرده‌اند: تلاشی برای وابسته نمودن و پناهندگی تشکلهای

هدف از یادآوری فوق آن است که وقتی به بررسی اسناد فدراسیون پناهندگان می‌پردازیم، خوانندگان ما می‌باید با حضور ذهن و شناخت سیما و پیرامون فدراسیون دموکراتیک حزب کمونیست در گذشته و به ویژه خدمات بزرگی که خرابکاریهای حزب بر فعالیت دموکراتیک خارج از کشور زده است، به دوری برداشته و در مورد آن اقدامات ناگهانی گریه هوشیار باشند.

به این سؤال چگونه پاسخ می‌دهیم؟ می‌پرسید چه کنیم؟
باین سؤال است که کردار پناهندگان فدراسیون پناهندگان ایرانی، به جامعه ترور فریق کثرت بر خوردمی‌کنند. "می‌گوئیم متشکل شویم!" شوراها باین را برپا کنید!، تنها نیروی متشکل ما توان مقابله را دارد" پاسخ آنهاست. این پاسخ اما آنچیزی نیست که آنها خود به آن باور داشته و عمل کنند. به کدام دلائل؟

الف: نحوه تشکیل فدراسیون مزبور، با روح پیاپی مزبور در تناقض قرار دارد زیرا، اگر در واقع هیت موس فدراسیون به پاسخهای شاعرگونه خود اعتقاد داشته می‌بایست این اعتقاد را در نقد صریح و علنی سیاست فرقه‌گرایی حزب خود در مقابل تشکلهای دموکراتیک و دیرپا تکی کا ملامتفاوت به اثبات می‌رساند. ما تاکنون به حشعارهای وحدت طلبانه - وعوام فریبانه - هیچ نقدی در مقابل فرقه‌گرایی بوبولیستی از سوی آنها ندیده‌ایم، برعکس اسناد منتشره شده توسط آنها نشان می‌دهد که به جز چند املاح جزئی، بنیان فرقه‌گرایی مورد تردید و طرد قرار نگرفته است در مورد پراکنش تا کنونی هیت موس، اظهار نظر گروهی از پناهندگان در سوئد نسبتاً گویاست:

"با حزب کمونیست مفاهیم شورا، دموکراسی و آکسیونهای توده‌ای را که وظیفه را مرستقیم و بلاواسطه توده‌هاست با اقدامات متعصبانه و تک‌رویهای مقامات رهبری" به اغتشاش کشانده است. "هیت موس" با تمویب و انتشار اهداف و مقررات کلی فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی که بخش مهمی از آن بر طبق موازین و سیاستهای درونی خود حزب و بدون شرکت توده‌های پناهنده و افراد مستقل و غیر متعهد به حزب تدوین گردیده و همچنین انتشار نشریه همستگي یعنی ارگان هیت موس، در حقیقت دو سوم کار فدراسیون شوراها را بدون توده‌ها را به پناهنده‌هاست. "حالاتی شواهدی برسد که مضمون این پیام، فراخوانها و نامه‌های "هیت موس" به این خیل وسیع جریان‌های سیاسی و پناهندگان سیاسی چیست؟ آیا مضمون این است که بیاید همگی با هم شوراها را قطع

پناهندگان ایرانی در خارج را توسط خود این آوارگان و تحت نظارت مستقیم شان برپا سازیم؟ متأسفانه چنین نیست. "هیت" بطور صریح از این مخاطبین می‌خواهد که با "دوربینا نیه‌علنی و کتبی از ما پشتیبانی کنید. فعالیتهای را از خود به هیت ما بفرستید و نشریه "همستگي" ما را توزیع کنید. "هیت" بطور صریح قبول و پذیرش "اصول و مقررات کلی اتحاد شوراها" (پدیده‌ای که هنوز وجود خارجی ندارد!) را شرط لازم پیوستن شوراها را شهری و کشوری پناهندگان به "هیت موس" می‌داند.

(از اعلامیه عده‌ای از پناهندگان ایرانی در اسفند ۱۳۶۸/۸/۸۹)
آری! متأسفانه چنین نیست! پناهندگان ایرانی و دهها تشکل فعال و نیمه فعال پناهندگان یک روز متوجه می‌شوند که روی کاغذ مسورت سراسری شورا دارند، شوراها کشورهای فدراسیون را با نشریه و مقررات و دفتر دستک و هیت موس ناگهان ایجاد شده، با بزرگواری به آنها پیام می‌دهد: می‌گوئیم متشکل شویم! برای احزاب و سازمانها و به مناسبتاً مختلف اعلامیه می‌دهد و دعوت می‌کند و با اصطلاح دل می‌سوزاند، از پناهندگان در مقابل "مبارزات کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" تعهد می‌گیرد، حتی به احزاب چپ و سوسیالیست اجازه می‌دهد که تحت نام خود درون شوراها فعالیت کنند و همه این زحمت‌ها را در نهایتاً به خاطر "همکاری" است: آنچه که امروز مهم است توافق سراسری است. بودن مشکلات صنفی و سیاسی پناهندگان، زمینه و افقهای مبارزاتی، اساس شورایی شکل سازمانی و توافق برای پیشبرد مبارزه در این جهت است! (از پناهندگان، تشکلهای دموکراتیک). آیا در پشت جملات فوق، درک معین از واقعی بودن مشکلات صنفی و سیاسی پناهندگان، جایگاه زمینه و افقهای مبارزات آنها و در نتیجه نحوه سازمانی آنها وجود ندارد؟ آیا واقعا بر سر مسائل مزبور توافق عمومی وجود دارد؟ آیا همه پناهندگان درباره "واقعی بودن مشکلات خود را نظر دارند؟ پس دعوی قدیمی در مورد کار صنفی و سیاسی و نحوه تنظیم رابطه آنها در کار دموکراتیک سرسریح و پوچ بوده است؟ مگر در عین واقعی بودن مشکلات پناهندگان، شما به خاطر حضور این و یا آن فرد توده‌ای و غیره از آنها انشعاب نکردید؟ مگر این اقدامات مشابه شما و سایر گروهها، و از جمله ایجاد تشکلهای دست‌ساز و وابسته، به دلیل درک متفاوت از زمینه و افقهای مبارزاتی جنبش پناهندگان نیست؟ آیا شما نمی‌دانید که عده‌ای رابطه این جنبش را با جنبش کارگری به نحوی که شما تعریف می‌کنید نمی‌دانند؟ آیا شما نمی‌دانید که ایده تشکل دموکراتیک "چپ" مختص شماست؟ میتوان سؤالات فوق را ادامه داد، حتی می‌توان سؤال کرد که آیا واقعا "هیت موس" از چندین و چون اختلافات نظری بی‌اطلاع است و یا می‌خواهد این اختلافات را با تعارف و شعار، کم‌اهمیت نشان دهد؟ آنچه که قطعی است این است: پاسخ هیت موس به سؤال "می‌پرسید چه کنیم؟"، متشکل شویم! نیست بلکه این است: در شورایی که برایتان ساخته‌ایم جمع شوید و در مورد مسائل جزئی هم بحث نکنید! آنها در حالیکه تشکلهای چند پناهندگان فعالند و در حالیکه تعداد زیادی از فعالین جنبش پناهندگی که به احزاب وابستگی ندارند و حامل تجارب فراوانی در این زمینه هستند وجود دارند و فعالیت می‌کنند، بجای فعال کردن و راهیابی مشترک با تفاتی آنها و فراهم کردن زمینه سراسری شدن، خود را با و در حکم یک قیم خیرخواه اقدام به صدور فرمان سراسری شدن تشکلهای ویرانی آن کرده‌اند و همه این فعالین را به پیروی از خود خوانده‌اند!

ب: مباحثی تشکل‌یابی پناهندگان بر اساس آنچه که هیت موس ذکر کرده است، به ایجاد تشکل و با اصطلاح شورای پناهندگان منجر نخواهد شد. اگر ما رابطه ناگزیری که بین نحوه ایجاد فدراسیون و سیاست ناظر بر سازمانیابی پناهندگان آنطور که فدراسیون مزبور می‌فهمد را نادیده بگیریم و فرض کنیم حزب کمونیست بطور جدی به تغییر سیاست خود برداشته و واقعاً خواهان ایجاد تشکلی توده‌ای بشیوه‌ای دموکراتیک است آنگاه بررسی پلاتفرم حزب مزبور، تردیدهایی جدی درباره ممکن بودن سازمانیابی توده پناهندگان بر اساس چنین پلاتفرمی را ایجاد می‌کند:

پ: بالاخره عفویت مرفنظر از ملیت، مذهب، عقیده و مرام سیاسی

اما آنچه که مسئله اصلی است قاطعاً یک تشکله دمکراتیک با یک جبهه تلویحی ویا صریح از سازمانهای چپ است میگوئیم تلویحی ویا صریح چون این مسئله هنوز روشن نشده است و با اصطلاح میباید در سازمانها مدراسیون صراحت یابد، نکته بعدی که در اینجا باید پدیدرسیده شود، اینست که چرا احزاب چپ و کارگری اجازه فعلیت دارند و سایر احزاب غیرچپ - که در عین حال جزو همکاران و حامیان دورزیم سلطنتی و اسلامی نیز نیستند - از چنین حقیقی محرومند؟ آیا با این شیوهها میتوان عنوان برطوطرا و قدراسیون گذاشتی را در عمل متحقق کرد؟ بی شک این راه به گره آوری گرایشات معینی میتواند نایل شود که در صورت عنوان "پناهندگان ایرانی" بی سمی خواهد بسود، راستی که فرقه گرائی کومله و آشفته فکری او در مخلوط کردن جبهه احزاب سیاسی و تشکلهای توده ای مثال زدنی است

۳- دفاع از جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، یکی از تعهدات فدراسیون تلویحی میشود، اینجا یکی از آشنا ترین اشکال بروز آشفته فکری سکتا رستی و بویوبوستی در مورد رابطه جنبش کارگری با جنبشهای متحدان و ما هیت و جایگاه جنبشهای دمکراتیک است ما در این زمینه یکبار در پیم کارگر شماره ۱۸ در نقد سخنرانی آقای غلام کشار و در گردهم آئی فعالین سابق کنفدراسیون به تفصیل نوشته ایم. و اکنون تنها رئوس اصلی نظر خود را تکرار میکنیم، به نظر ما که بر سنت و تجربه طولانی جنبش کمونیستی تکیه دارد، جنبشهای دمکراتیک متولف طبقه کارگر را ی ما هیت غیر سوسیالیستی بوده و به عنوان نیروی کمکی در پیوند شرایط پیکار طبقه کارگر با یدا زسوی کمونیستها را دیگالیزه شود، این را دیگالیزه کردن جنبش دمکراتیک به معنی سوسیالیزه کردن آن، یعنی کاری که بویوبوستیها از هر قماش انجام میدهند نیست، این را دیگالیزه کردن به معنی تحمیل درخواستهای سوسیالیستی نیز نیست زیرا چنین درخواستها تنها موجب تجزیه جنبش مزبور میشود، را دیگالیزه نمودن جنبشها و دمکراتیک تنها به معنی پیگیری مبارزه برای پیگیری عمیقترین درخواست دمکراتیک است مثلاً کمونیستها درخواست آزادیهای سیاسی را به شیوه مطالبه دمکراسی سوسیالیستی را دیگالیزه نمیکند، بلکه با طرح شعار "آزادیهای سیاسی قید و شرط" تلاش میکنند تا بهترین شرایط برای مبارزه سوسیالیستی را فراهم شود، بنا بر این وقتی هیئت موسس متعهد به دفاع از جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر میشود، از قیام دونکته مهم غفلت میکند نخست اینکه؛ نقطه اشتراک اصلی پناهندگان، پناهنده بودن و نه موضع مثبت و تعهد نسبت به جنبش سوسیالیستی کارگران است یک تشکله دیگالیزه پناهندگی با یدممیستی خود را با جنبش دمکراتیک و توده ای سازمان دهد و این البته مورد توجه دوستان ما نیست آنها در نوشته خود حمایت از کارگران و مبارزه علیه جمهوری اسلامی را ذکر میکنند ما فراموش میکنند (!؟) حمایت از جنبشها و دمکراتیک و مبارزات توده ای بویوبوسته دفاع از زندانیان سیاسی را بنویسند، این فراموشکاریها تصور که گفتیم ما شی از یک درک سوسیالیستی از جنبش دمکراتیک است که تمیخواهد هر چیزی را به اسم واقعیتش مصادیق و برعکس چیز را تصور که در زوهایش میخواد همبند و مینامد، در اینجا با یدا فکرنیکه ما مخالف حمایت تشکلهای دمکراتیک از مبارزات سوسیالیستی نیستیم بلکه مخالف تعهد مصنوعی و ذهنی این اصطلاح "شوراها" در قبال کارگران هستیم، تعهدی که فاقد مضمون عملی تعیین کننده است

دوم اینکه؛ برای اینکه در عمل و نه در حرف یک جنبش دمکراتیک متعهد به دفاع از جنبش سوسیالیستی بشود، کافی است به جای طرح شعارهای ذهنی و بی مضمون، تلاش نمود که این جنبش هر چه توده ای تروبا در خواستها و دمکراتیک هر چه را دیگالیزه میدان بیاید، بگذارد و به جای اصطلاح دفاع از کارگران و مبارزه سوسیالیستی آنها، همه پناهندگان برای درخواستهای خود، بر علیه جمهوری اسلامی و به حمایت از جنبش توده ای در ایران به خیا با آنها بیایند، بگذاریم مبارزات آنها هر روز شکنجی بیشتری برای جمهوری اسلامی ایجاد کند، که هر اقدام سرکوب گرانه، هر ترور، هر اقدام، هر لشکرکشی به کردستان روز به روز مشکل تر شود، آنگاه هیئت محترم موسسین و سایر نظریه پردازان حزبی خواهند دید که بدون حتی یک کلمه حمایت از درخواستهای سوسیالیستی کارگران، در عمل و در زندگی شرایط مبارزه دمکراتیک و سوسیالیستی کارگران

بقیه در صفحه ۹

پذیرفته می شود، این یکی از مهمترین موارد عقب نشینی حزب کمونیست از خط قبلی خود است خطی که بر مبنای آن جنگ ملیتی دائمی در تشکلهای بر علیه طرفداران نظرات معین به راه می افتاد و به این وسیله این تشکلهای پس از مدت کوتاهی از رشد و جلب پناهندگان بازمی ماندند... جالب این است که هیئت موسس در ارزیابی خود از تشکلهای پناهندگان، با یک معمولیت ظاهری سراسری شگفت انگیز است و بطوراً نظری کند: "ناکسون بسیار کمیته ها، کانونها و اتحادیه های دیگری تحت نام پناهندگان ایرانی ایجاد شده اند که صرفاً مکانی برای رقابت سازمانهای سیاسی و میتوان گفت عمدتاً رقابتی بنا سالم، محلی برای مجادلات و کشمکش های نامربوط به شرایط موجود و تشکلهای توحه حدی به مشکلات واقعی پناهندگان بوده اند... باید که به این تحریرها چشم انداز بازنگریست" آری "باید که به این تجربه با چشمانی بازنگریست" و به پناهندگان یا آوری کرده که چه کسی به حزب کمونیست و بویوبوستیهای طیف اقلیت به تشکلهای بعنوان محلی برای کشمکشهای نامربوط و بی توجه به مشکلات واقعی پناهندگان بر خور کرده اند، آیا انشعاب در سمینارها مبورگ جسیز کشمکشهای نامربوط و بی توجه به مشکلات واقعی پناهندگان بود یا نه؟ هیئت موسس به این سئوالها پاسخی نمیدهد، اما این سئوالها با لحنی سرزنش کننده همواره و همواره تکرار خواهد شد تا جواب ثابت شده خود را بیابند ۲- رابطه با احزاب سیاسی به احزاب سوسیالیستی و کارگری محدود شده و به آنها - به حربه مدافعان و همکاران دورزیم سلطنتی و جمهوری اسلامی - اجازه داده میشود که تحت نام خواه فعلیت کنند، بسیار خوبه مقصود از آزادی فعلیت احزاب چیست؟ موازین این مرقرا است که در سازمانها مدراسیون سراسری معین شود، اما جای نگرانی نیست چون نمونه ای از این "موازین" یا دقیقتر رابطه ای که بین احزاب میتواند برقرار شود در پناهنده خط با احزاب چپ آمده است توجه کنید: "نظریه مسئولیت سازمانهای سیاسی چپ در سراسر وضعیت حاضر است که ما به شما رو کرده ایم و از شما میخواهیم که از این حرکت حمایت کنید، دامنه شکل این حمایتها مریت که شما آنرا تعیین خواید کرد، ما به نوبه خود میتوانیم صدور بیاییم علنی پشتیبانی، فراخوان به هواداران برای شرکت در این حرکت، سهمگیری فعلی از شما در فعالیتها و مسئولیتهای هیئت موسس، شرکت در نشر و توزیع نشریه همیستی، نشریه هیئت موسس و حمایت مالی از این حرکت را که در لحظه حاضر بویوبوسته عاجل نیز هست را پیشنها میکنیم".

از پیشنها دمزبور بر می آید که به چه سهمگیری در مسئولیتهای هیئت موسس که علی القاعده امری موقتی و ناشی از غیرانتخابی بودن آنست ما بر پیشنها ذات هیئت موسس و وظایف نیروهای حزبی شرکت کننده در یک تشکله دمکراتیک است که معمولاً صورت یک فراکسیون حزبی در آن شکل عمل میکنند و اگر عیناً سر و بسته به یک حزب در این فدراسیون شرکت کنند این وظایف را انجام میدهند، اما ذکر یک نکته ضروری است، هیئت موسس چه یدا ندوچه نداند چه بخواد و چه نخواهد هیچ طرفنداسا سازمانهای نمیتوان جلوی فعلیت احزاب را در تشکلهای دمکراتیک گرفته هر حزبی در تشکلهای فراکسیون خود را تشکیل میدهد و اگر لازم شد حتی خود را علنی نمیکند بنا بر این خطب قرار دادن بعضی از گروهیتهای حذف راهی دیگر در مان مشکلات "هیئت" نخواهد بود اگر همین فردا در ایران انقلاب شعله ور شود در درون تشکلهای و جمله شوراها (ما فعلاً به این کاری ندادیم که شوراها عنوان شده از جانب "هیئت" تنها در اسم شورا هستند و در مضمون تشکلهای صنفی و سیاسی اند)، همه گرایشات سیاسی شرکت خواهند کرد، همین امر در مورد پناهندگان نیز صدق میکند.

این مسئله اما جنبه دیگری نیز دارد، فرض کنیم احزاب چپ به اطلاعیه هیئت موسس پاسخ مثبت داده و مثلاً خواهان گسترش همکاری با حزب کمونیست شدند، اگر این همکاری از حد پناهنده ایها هنگیها و تنبانی برای اینها آن اقدام و علیه این یا آن رقیب سیاسی فرا تر رود، آنگاه ما با یک جبهه از احزاب روبرو هستیم که بر طبق سناریوی هیئت موسس، وظیفه دارد یک تشکله دمکراتیک را سرپا نگه دارد، در اینجا حزب مزبور علیرغم سالها مرزبندی سیویدها جبهه های بقول خودش کمینترنی، به جنبش جبهه ای تنمیدهد!

میزدند و طوری هم بیش می‌رفتند که نام مصدق نیز در رابطه با این کارها طرح شود و مصدق را هم به لجن بکشند، اما ما می‌دانیم که مصدق لبرال‌تر از این بود که به این کارها دست بزند.

بهرگونه روزنامه توفیق، نویسنده‌های طنزنویس را گردمی‌آورد و بعد آن‌ها هر کدام، تنهائی یا با دیگرانی، کار را درخاها و به نام‌های دیگر و با شیوه‌ها و طریقت‌های گوناگون ادامه می‌دادند.

پیام‌گارگر: به نظر شما از این لحظه طنزنویسی به مثابه نوعی مداخله اجتماعی هنر و بیوند هنرمندان با توده کوچک و با زار دجا رنوعی جدا افتادگی نشد. یعنی بین طنز ممنوع و طنز قانونی، یعنی طنز بی‌آزاری که مستقبلاً درگیری با نظام ندارد، فاصله‌ی جدی نیافتاد؟

محبوبی: من این را بیشتر اینگونه طرح می‌کنم. ما احیاناً تفکر مختلف و شیوه‌های گوناگون از یکدیگر جدا می‌شدند و هر کدام ارگان، خودشان را راه می‌انداختند، مثلاً پرویز خطیبی و تعدادی دیگر که شیوه‌های او را می‌پسندیدند، مثل زارع، جمشید وحیدی و اسدالله شهرپاری، جدا شدند و "جای بابا" را راه انداختند، نشریه‌ای که از نظر سیاسی زنده تر و صریح‌تر از توفیق بود، اما متأسفانه پشت سرش یک تفکر درست و حواسی وجود نداشت. به همین خاطر مردم در آن هنگام از آن استقبال کردند اما بدلیل فقدان عمق ضرور، زود آسرافرا موش می‌کردند.

عمق بدین معنی که حرفی را که می‌زد، چه در رابطه با مشکلات مردم و چه در رابطه با مسائل سیاسی، آنقدر پیش نمی‌رفت که خواننده را به سمتی بکشاند که او در برابر مشکل درکجاست. فقط مشکل طرح می‌شد و این کافی نبود درحالی‌که "چلنگر" عمق داشت. چلنگر مشکل را مطرح می‌کرد و راه حل هم ارائه می‌داد. در "چلنگر اگر از" شدی حسن بقال"، "بقال سرگذر" صحبت می‌شد، همراه با مشکلات او مردم، مشکلات به ارگان‌های دولتی ارتباط می‌یافت، به مالیات به ما مورمالیه، به پلیس و در انتها نیز نتیجه گیری سیاسی می‌شد، حتی وقتی نبود مستراح عمومی در تهران طرح می‌شد، افزایش از آن نتیجه گیری سیاسی می‌کند، اما "جای بابا" خیلی مشکلات را به افراد دربار، و مثلاً خورشاه ربط می‌داد، که مثلاً اگر خواهر شاه نداشت فلان مشکل هم حل خواهد شد! درحالی‌که افزایش چلنگر نظماً را می‌دیدند، نه افراد را.

"تا که این نظم و این نظام بجاست یکی از مشکلات ریدن ما است" یعنی یک مضمون غیرمودانه را که جزو ادبیات ممنوع است یا مسأله‌ی سیاسی و نظامی ربط می‌دهد.

بعد از شهریور ۲۰ نشریات سیاسی طنز و مزاح منتشر می‌شوند، ضمن اینکه نشریات که هجویات هم بودند، منتشر می‌شد، نشریاتی که بیشتر کارکنان فحش‌دان به‌ایزوان بود، و به زودی نیز از زمین می‌رفتند و می‌مردند، اما نشریات نسبتاً خوب باقی می‌ماندند، که از این میان "بابا شمل" و "توفیق" را، که موفق تر بودند می‌توان نام برد. بابا شمل، در واقع یک روزنامه سیاسی صرف بود و محیطه کارش هم "مجلس" بود. علتش هم این بود که در مجلس نفوذ داشت و از کلان‌سازش بحث دقیقی داشت. به همین دلیل نیز فعالیت‌های مجلس و شخصیت‌ها بشمول بحث این روزنامه بودند. بابا شمل بدلیل همین ویژگی یک اسطوره باقی ماند، و بیشتر هم بدلیل کاریکاتورهای صفحه اولش که "نیلی بنائی" می‌کشید. بهرحال بابا شمل به عنوان یک روزنامه قاطع سیاسی مطرح بود و حتی مطالبش روی مجلس اثر می‌گذاشت.

اما توفیق اینگونه نبود. مسائلش بیشتر در مورد مردم بود و کلی‌گویی‌هایی هم راجع به دربار داشت. اگر مسائل حادی وجود می‌آمد، مثلاً مسأله نفت آنوقت شخصیت‌ها هم مثل مصدق و سیدضیا مطرح می‌شوند، اما اگر درجا معسه بحران و بحث سیاسی مطرح نبود، نوشته‌هایش در حد یک کلی‌گویی با قسمی می‌ماند، اما بابا شمل، موضوع خاصی را انتخاب کرده بود و همیشه حرفی برای گفتن داشت. از مجلس می‌نوشت و گاه شخصیت‌های مجلس را تک‌تک تحلیل می‌کرد، نه فقط قطعنامه‌های مجلس، حتی از رابطه خصوصی و کلام نمی‌گذشت این روزنامه بر نفوذ، بعد از تعطیلی، دستگیرندگی‌های نداشت و به عنوان یک جزیره در مطبوعات طنز فارسی باقی ماند.

اما آنچه که از توفیق بیرون آمد، روزنامه‌های متعددی بودند که



منوچهر محبوبی

در گفتگو با

«پیام‌گارگر»

طنز و تاراج، طنز در ایران (۲)

محبوبی: ده‌ها ضرورتی را که انتخاب رسان مردم و بسا کردن فورم و محتوای مناسب برای بیان اندیشه‌ها بشود، یافته‌بود، ضرورتی که بسبب آری از روشنفکران آرنهنگامه آن پی سرده بودند، روزنامه‌ی "مورا سرافیل" که "تیسوریبیدارسان" برای مردگان "است!، چه در مضمون و چه در شکل تا حدی نشان‌های زدرک ضرورت گفته شده است.

در دوره رضاشاهی، دیکتاتوری و خفقان قتل زهر جیز سر از طنز نویسان می‌رود و آن‌ها را سرکوب می‌کند، کاری که تا شهریور ۲۰ و فقه صورت گرفت. پس از شهریور ۲۰ دوره آزادی ای که تا سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۱ م بافت، سبب شد که طنز نویسان دوباره به میدان بیایند. پیش از این تاریخ یعنی از فاصله ۱۳۰۰ تا شهریور ۱۳۲۰ روزنامه‌ی توفیق منتشر می‌شد اما امروزه نامه‌ی باارزشی نبود، چاپ‌کننده‌ی غزل‌های آقای فرات با خود حسین توفیق و تعدادی دیگر سرود، صفحه نخست هم عکس رضاشاه را با عناوین رنگارنگ به چاپ می‌رساند، اما از شهریور ۲۰ تا کنون این روزنامه حالت دیگری خود می‌گیرد. از گوشه و کنار شاعران و نویسندگان که ذوق و شوق نوشتن دارند جمع می‌شوند و "توفیق" به عنوان یک پایگاه یا پاتوق موردا استفاده قرار می‌گیرد. البته در دوره‌ی رضاشاهی غیر از روزنامه "توفیق"، روزنامه "نا هید" هم منتشر می‌شد که برخلاف توفیق حرف‌های هم برای زدن دازد، اما تا ریجعی واقعی توفیق از شهریور ۲۰ شروع می‌شود. شهریور ۲۰، پس از مرگ حسین توفیق، که صاحب روزنامه بود، پسرش محمدعلی توفیق وارث امتیاز روزنامه می‌شود. او جوانی بود که نه ذوق این کار را داشت و نه اهلی بود. اما افرادی اهل فن اطرافش را می‌گیرند، افرادی مثل ابوالقاسم حالت، ابوتراب حلی، محمد امین محمدی و افزایش، و چند تنی دیگر که اکنون در خاطر من هستند. افزایش نخستین شعرهایش را در توفیق چاپ کرد، که درکناره‌ی نویسنده‌گان، معروفترین آن‌ها را خوانند (مثل شعر با لوتی باره) اما افزایش این عرصه را برای خودش تنگ می‌دید و زمال‌های ۳۰-۳۱ این فکر افتاد که خودش روزنامه‌ی برپا کند، و روزنامه‌ی چلنگر را به راه انداخت.

روزنامه چلنگر برخلاف توفیق، روزنامه‌ی صدرمد سیاسی بود. توفیق بیشتر در بیسوی انتقادهای اجتماعی داشته سیاسی، مثلاً ابوالقاسم حالت شعرهای اجتماعی فراوانی داشت اما با تفکر خاص خودش در این میان اما ابوتراب جلی تا عمری بود که هم در زمینه شعر طنز و هم غزل‌سازی تراز دیگران سرخورد می‌کرد. ابوتراب جلی اطلاعات شعری زیادی داشت اما جرات افزایش نداشت، افزایش هر جا که می‌دید قلمی دست و پا گیر است، قالمبرامی شکست تا حرفش را بزند و هیچ بی‌می‌هم از انتقاداتی که سر او می‌شد و احتمال می‌داد که شود، نداشت. به همین خاطر نیز افزایش حرف‌ها و سبک‌های تازه‌ای و در شعر طنزگونه کرد، که یکی از آنها مثنوی‌هایی است با وزن بلند که مخصوص قصیده و غزل است و قبل از افزایش هم کسی این کارها را نکرده بود. گاهی اشرف‌الدین حسینی کارهایی داشت که چندان آگاهانه نبود، که بحمی آریا نیوردر "از صا تا نیما" کارها پیش را در واقع ترجمی ملانصرالدین می‌داند. اما افزایش نیاز به ترجمه نداشت. او بسا بکر اجتماعی خودش و استفاده از اطلاعات سیاسی در زمینه سوسیالیسم در عرصه‌ی طنزگام می‌یافت، و موفق هم بود. اما مناسبتاً به بدلیل حزب‌بسی بودن، سرانجام تسلیم حزب‌نوده شد، سبزه در رابطه با مصدق، البته عواملی نیز کمک‌کننده بودند. برای مثال دفترش را "شمان بی‌مخ‌آتش

مطلب قابل چاپ را درست می‌کردند، برورش می‌دادند و بعد به اسم همان فرستنده مطلب چاپ می‌کردند. این گذشت را البته همه‌تدا شدند. این کار روی مردم اثر جدی می‌گذاشت، روی من که اشرخوبی گذاشت.

روشن من هم همین شد، مطلب را می‌خواندم و وقت می‌کردم که مطلب آماده برای چاپ چگونه مطلبی ست. و این کار، جدا از هر چه، خودش به من لگو می‌داد و در پیشبرد کار من نیز موثر بود. این امر به اعتقاد من از نظر خلاقیت هنری بی‌عیب‌هم نبود. خطراستاندا رد کردن نویسنده وجود داشت، در واقع ده نویسنده یک فرم می‌گرفتند، چرا که ادیتورشان یکی بود! در حالیکه نویسنده مطلب‌شاید در همان فرم مورد نظر خودش به جایی بالاتر و بهتر دست می‌یافت. در حالیکه به سبک گفته شده چیزی مثل کالبا س می‌شد، گوشت‌های مختلف همه سرانجام به یک شکل و شمایل درمی‌آیند! بهر حال این عیب کار نبود. بنا بر این در دوره‌ی مورد نظر، دوره بحران نفت، سه روزنامه مطرح بود: ۱- «حاجی بابا» که بیشتر سوزهایش «درا» بود. ۲- توفیق، که سوزهایش بیشتر از بطنه‌ی حکومت صدق با مردم بود و شمایل هم به حمایت از صدق داشت. ۳- چلنگر، که تنها روزنامه‌ی ایدئولوژیک بود، که از ایدئولوژی مشخصی پیروی می‌کرد، مطالبش لعل با لعل از حزب توده تبعیت می‌کرد و پیرو حزب توده و احزاب برادر بود.

روزنامه چلنگر حدود ۳ سال، تا پیدایش سال ۳۲ تا ۳۳، شایدهم ۲۵ سال، در دست افراشته بود و بعداً رسماً بدست حزب توده افتاد. حزب توده فکر می‌کرد که این روزنامه وسیله خوبی برای ایجاد ارتباط با مردم است و نیز به لحاظ مالی نیز، کمک مالی خوبی برای حزب دست و پا می‌کند. به همین خاطر روزنامه‌ها بقیه در صفحه ۱۱

موفق‌ترینش "چلنگر" بود. افراشته روزنامه را منتشر ساختیم با جمعی از همفکرانش که از جمله محمد امین محمدی، حلی را می‌توان نام برد و نیز کاریکا توریست احمدی را، که هنوز هم هست. (که ما برای کار در افراشته‌ها غث رفتیم و زغبیتی به کار نشان نداد).

زمانی که توفیق در آمد من بچه بودم و بهنگام انتشار چلنگر کلاس هشتم بودم. چیزهایی برای روزنامه دیواری مدرسه می‌نوشتیم و گاه چیزهایی هم برای روزنامه مورد علاقه‌ام "چلنگر" می‌فرستادم. روزنامه‌ی چلنگر از کارهای پر ارزشش این بود که بخش عمده‌ای از روزنامه را در اختیار مردم می‌گذاشت، کاری که توفیق نمی‌کرد. توفیق عده‌ای نویسنده‌ها توفیق داشت که صفحه‌ها و نوشته‌هایی را به خودش اختصاص داده بودند. اگر مطلبی می‌آمد در بخشی بعنوان مطلب خوانندگان چاپ می‌شد. در چلنگر ما اینطور نبود. نه محدودیت وجود داشت و نه حساسیت. ممکن بود مطلب خواننده‌ای در صفحه اول چاپ شود. به همین خاطر افراشته در برابر نگین شوق مردم نقش ایفا کرد. من بچه بودم که برای چلنگر شعری فرستادم. وقتی شعر چاپ می‌شد، بسا آنکه تغییراتی در آن داده می‌شد، اما به اسم من بود، و این جالب بود و روی من اشرخوبی گذاشت. بعدها خودم در توفیق این روال را ادامه دادم، نه بعنوان سردبیر بعنوان دبیر یک بخش. این کار پر ارزش بود چرا که این چنین که "هر چه می‌نویسم باید به اسم خودم باشد" از بس می‌رفت، در حالیکه، مثلاً، "عاش توفیق" اسکار را نمی‌کرد. نوشته دیگری را دستکاری یا رونویسی می‌کرد به اسم خودش چاپ می‌کرد، می‌خواست بگوید که این منم که این شعریا مطلب را درست کردم! در چلنگر ما روش دیگری که اشاره کردم پیش می‌رفت.

درباره "فدراسیون شورای ..."

ادامه از صفحه ۷

بهبود محسوس یافته و جنبش دمکراتیک نسبت به تعهد خود به جنبش کارگری و درخواستهای سوسیالیستی آن، وفادار مانده است. آری تعهد این است و نه آن!

نتیجه اهداف واقعی تشکیل فدراسیون: هیئت موسس موفق به ایجاد شکل پیشرو، چپ و دمکراتیک پناهندگان ایرانی، آنطور که مدعی شده نخواهد شد. زیرا چنین شکلی در نحوه تشکیل یا با اتکا به توده پناهنده و فعالین واقعی و عملی این جنبش ایجاد شده و یا در حدیک شکل دست‌نشانده باقی خواهد ماند. یک شکل پناهندگی اما صرفاً به دلیل شرکت چپ در آن حلوا حزب چپ تشکیل "چپ" نخواهد شد. زیرا سوسیالیزه کردن آن اقدامی "راست" است نه چپ و علاوه بر این نوع سوسیالیزه کردن به برنام‌ها و اهداف و اعتبار، دیگال لطمه خواهد زد. زیرا از بسج همه نیروی ممکن برای اهداف مزبورنا توان خواهد ماند. شکل مزبورحتی یک شکل پیشرو نخواهد بود، زیرا هیچ اندازه فرزنانگی رهبران و لور رهبران "چپ" نمیتوانند آن نقش پیشروی را که یک جنبش متکی به آحاد پناهندگان بازی می‌کند، به یک شکل دست‌ساز و بسته به یک حزب معین ببخشند.

شکل مزبور در حیات خود بیش از پیش با بدیهه جنبش تکیه کنندگان آنرا مورد استفا ده قرار دهد و به همین نسبت در مقابل آن "تعهدی" واقعی وابسته خواهد بود. این نیاز ما صرفاً یک طرفه نیست. فدراسیون، مخلوق و فرزند حزب کمونیست و یک حلقه از برنام‌ها در خارج کشور است. این حلقه چه وظایفی دارد؟ وظایف فدراسیون عبارت است از: سازمان دادن طیف روبه افزایش هواداران جدیداً مهاجر شده‌ها حیانا مسئله‌ها را کومه‌له و جازدن این کار به عنوان سازمان‌دهی پناهندگان. این اقدام البته با یدیا کلی منت برسر پناهندگان و یک دنیا آفما فی و دمکرات‌نمائی نسبت به سایر احزاب چپ صورت گیرد. این اقدام با یدمضمون دمکراتیک و فرقه‌ای گذ شده را با یک دسته‌گل، با یک تبسم، با یک سوال مهیج آرایش دهد، تا بتواند به عنوان "فدراسیون شوراهای پناهندگان" برای اینکه ما جرا ابعساد با مصلح‌بین المللی داشته باشد و هر شود حیانا اینجا و آنجا - به نام پناهندگان و به بیانه کمک ما می‌باشد، امکان‌ها برای حزب و نه بسرای پناهندگان جمع آوری کند. سنا ریوی "فدراسیون" تکرار منسجم تر و بوخته تر

ما برای کمیته کردستان است. در نحوه تشکیل، در شرایط فعالیت و نحوه فعالیت دیگران و در هدف اصلی. اینکه اینبار هدف مزبور با خونردی و به نام پناهندگان و آنهم با یک دنیا شک و آه و گریه و زاری برای پناهندگان که بیشتر از هر سازمانی از کومه‌له صدمه دیده‌اند در دنیا ل میشود. ناشی از عمق بی‌اعتنائی جریان مزبور به نیازه‌ها و درخواستهای توده پناهنده و مردم بطور کلی است.

ما چه می‌گوییم
رئوس کلی دیدگاه سازمان ما در مورد نحوه سازمان‌دهی پناهندگان تا کنون به کرات در نشریات سازمانی تشریح شده است. ما در اینجا یکبار دیگر نظرات خود را بصورت فشرده تکرار می‌کنیم:

سازماندهی پناهندگان بر مبنای فردی و صرف نظر از تعلق سیاسی و ایدئولوژیک بر مبنای بزرگ‌ترین تفاوت‌ها و اساساً به شکلها بشیوه دمکراتیک یعنی هر فردیک رای صورت می‌گیرد.

شکلهای پناهندگان بر مبنای خواسته‌های مستقیم آنها و با اتکاء به این خواسته‌ها میتوانند حیات‌تداشی و شمر بخشی داشته باشند. این خواسته‌ها بره وسیعی از مطالبات صنفی و اجتماعی، سیاسی و فعالیت‌های فرهنگی هنری را در بر میگیرد و تشکیل‌تعاون و همیاری پناهندگان و مهاجرین را برای برآوردن این نیازهای زندگی سازمان می‌دهند. این شکلها از پائین و در سطح محلی شکل گرفته و در دوره‌های آینده زمینه همکار و اتحاد دسراسری آنها فراهم میشود.

سازماندهی شکلهای پناهندگان و هر مجموعه‌ای از این نوع با شرکت خودا فرا دینا هنده و نه بصورت جبهه احزاب چپ صورت می‌گیرد.

در سازماندهی این شکلها باید زمینه برای بیشترین فعالیت فعالین شکلها که وابستگی حزبی ندارند ایجاد شود و بطور عمومی از اتکاء این شکلها به کمکهای دولتی سازمانهای سیاسی تا حد امکان اجتناب شود.

سازمانهای سیاسی حق دارند به هر شکل در درون هر شکل به فعالیت سیاسی پردازند. اما در حال از هر اقدام فرقه‌گرایانه که منجر به تضعیف همبستگی و حرکت شکلها شود خودا ری کنند.

تنها برای این میناست که میتوان یک جنبش واقعی را در جریان زندگی پناهندگان و مهاجرین برپا کرد. اما فرقه‌گرایان که هیچ درسی از مبارزه واقعی نمی‌آموزند، هر چه بیشتر در گنج انزوا ی خود فرو می‌روند!

آلمان دمکراتیک

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان در یک نشست خود تصمیم گرفت که یک رشته رفرمهای سیاسی را برای پایان دادن به مشکلات سیاسی داخلی کشور معمول دارد. این مشکلات در حوادث حول وحوش جشنهای چهلمین سالگرد تأسیس آلمان با هجوم چند هزار نفر از شهروندان آن به سفارتخانه‌های آلمان در پراگ و ورشو و نیز اقدامات مهاجرت به غرب از طریق مرز لهستان برجسته شده بودند.

تظاهرات و تجمعهای اعتراضی روزهای اخیر که مهمترین آنها تظاهرات ۷۰ هزار نفری در شهر لایپزیک به حساب می‌آید، مقامات محلی و سپس رهبری حزب را به تغییر سیاست و چاره‌اندیشی واداشت. معمول نمودن آزادی‌های سیاسی و از جمله حق تشکل مستقل، مباحثه علنی آزادانه در باره مشکلات اقتصادی، سیاست و اجتماعات معارضه آلمان و دخالت دادن شده‌ها و سبب مردم مهمترین رفرمهایی هستند که در دستور قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر میخائیل گورباچف در دیدار خود از آلمان دمکراتیک ضمن دفاع از ضرورت نوسازی سوسیالیستی، آنرا امری منحصر به داخلی برای هر کشور سوسیالیستی دانست و به غرب در مورد دخالت در امور داخلی آلمان دمکراتیک هشدار داد.

مجا رستان

کنگره حزب سوسیالیست کارگران مجارستان تصمیم به انحلال خود و تشکیل یک حزب جدید بنا به حزب سوسیالیست مجارستان گرفت. تصمیم مذکور که در میان اعتراض شدید عده‌ای از نمایندگان و مخالفت بسیاری از رهبران حزبینظیر کارول گرش دبیر اول سابق حزب اتخاذ شده، نقطه پایانی بر اختلافات درون سگراش اصلی درون حزب نهاد. گراش سوسیال دمکراتیک به رهبری "بژگای" وزیر کشور سابق مجارستان و گراش میاشنه به رهبری نیز موفق شدند که گراش دیگر حزب به رهبری گرش را کنار زد و در یک اقدام غیرمنتظره آنها را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. حزب جدید هدف خود را گذارتدریجی و صلح آمیز به سوسیالیسم دمکراتیک قرار داده است و میخواید در جای خوب یک نظام چند حزبی به رقابت با سایر احزاب که در مورد تحولات جاری محتاط‌تر عین حال بدبینانه موضع گرفتند سپردا زد. در حالیکه رهبران مخالف انحلال حزب

اخبار کوتاه

کودتای نظامی در پاناما شکست خورد. ایس کودتا که به تشویق آمریکا صورت گرفته است و بر طبق نقشه طراحی آن، کودتاچیان میبایست زنیال نوریکا را دستگیر کرده و به آمریکا بفرستند، بعلمت مقامات شدیدبخشی از ارتش شکست خورد و سران کودتا نیز کشته یا اعدام شدند. دولت کلمبیا و چریکهای چپ‌گرای این کشور

کشورهای غربی و بیویژه آلمان فدرال در کارزار تبلیغاتی خود در هفته‌های گذشته هدف خود را صراحتاً بی‌شکایت کردن آلمان دمکراتیک اعلام نموده و گروه‌بندی‌های نشوونما شیب، و احزاب بدست راستی با به میان کشیدن ادعای باصلاح وحدت دو آلمان تمایل خود را برای ملحق نمودن آلمان دمکراتیک به خود صراحت داده و رهبری این کشور را زیر فشار قرار داده‌اند. از سوی دیگر جریان‌های پوزیسین در آلمان دمکراتیک نیز در موضع‌گیری‌های خود، مرز روشنی با گذشته‌ها شیبی آلمان و با احیای سرمایه‌داری در آلمان دمکراتیک ترسیم نموده‌اند. اغلب این گروه‌ها خواهان بهبود سیستم سوسیالیستی، وسعت دادن به دخالت توده‌ها در اتخاذ تصمیمات و تعدد احزاب سیاسی هستند.

در آخرین نشست دفتر سیاسی حزب سوسیالیست متحده آلمان دمکراتیک در ۱۸ اکتبر، ریش هونگر بعلمت کپولت و وضع جسمانی از سمت خود استعفا داد. دبیرکل حزب استعفا را دو جای و "اگون کرنتش" که قبلاً در سمت دستیار هونگر انجام وظیفه میکرد، انتخاب شد. "کرنتش" بعد از انتخاب با اعلام کرد که حزب قصد دارد به اشتباهات گذشته خود توجه کند و در جهت اصلاحات و مبارزه با تبعیضات برای مسافرت آزاد اعلام نمود.

تصمیم خود را در بربرگزاری رفراندم در میان اعضای حزب وادامه دادن به حیات آن مورد تاکید قرار دادند. در حزب جدیداً لتاسین اخلاقیات بین دوگراش اصلی در مورد مسائل پایه‌ای همچنان وجود دارد. گراش میاشنه در این نبرد قرار دارد. خواهان ادامه‌دهنده‌ها لیت حزب در کارخانه‌ها و حفظ بیشترین تعداد ممکن از اعضای حزب منحل شده و حفظ روابط بطور موجود با شوروی و پییمان و رشواست. در زمینه اقتصادی سیاست حزب جدید و حزب منحل شده تقریباً یکی است. هر دو طرفدار اقتصاد بازاری و تنوع در اشکال مالکیت سوسیالیستی، تعاونی و خصوصی بوده و خواهان روابط اقتصادی فشرده تر با غرب هستند. بهر حال با این اقدام یک گام جدی بسوی انحلال فاکه سر نوشت و آینده مجارستان را به غرب و سرمایه‌داری مرتبط می‌کنند. گمونیستهای مجارستان با درک وضعیت خراب کنونی با بیدرجهت تشکل خود سازماندهی یک مبارزه با رقبای سیاسی تلاش جدی کنند.

موافقت نمودند که به جنگ فی‌مابین خاتمه داده و چریکها در آزادی دریافت تضمین از دولت، به فعلیت سیاسی آزادانه بپردازند. در آستانه آزادی دشمنان رهبران سوسیالیست آفریقای جنوبی، بزرگترین نظام‌های اعترافی در مهمترین شهرهای این کشور برگزار شد. این تظاهرات در دفاعی جدید و با خوشنیت کمسی

صورت گرفته و اولین اعتراض بزرگ بوده‌ای پس از به قدرت رسیدن "دکلاک" رئیس جمهور جدید بشمار میرود. دکلاک در هفته‌های گذشته به دیدار و مذاکره با رهبران اپوزیسیون و نیز رهبران کلیسا پرداخته و خود را با دگی مذاکره برای معمول کردن رفرمهای جزئی را اعلام کرده است.

حکومت پرونیست آروا نشتین تصمیم گرفت که بقایای رهبران کودتای ارتش که در سال ۱۹۷۶ دولت وقت را سرنگون کرده و در سال بعد از آن مرتکب جنایتهای بیشماری شدند را آزاد کند. با راهی از چریکهای زندانی متوسط به همین دوره نسیز مشغول شده‌اند.

آلمان دمکراتیک قورت دادنی نیست

نشیست

(بخشی از نظریات رنظر کریستا ولف نویسنده آلمان دمکراتیک در مصاحبه با صدای آلمان ۱۸ اکتبر ۱۹۸۹) س: شما خود بهتر از من میدانید که مطبوعات در آلمان دمکراتیک بخشی از تبلیغات حزب بشمار آمده و خود این با ورا قبول دارند آیا تغییر لحن مطبوعات به عنوان علامت ضعف و یا حتی آماجگی برای دادن بخشی از قدرت تلقی نخواهد شد؟

ج: از کلمه "قدرت" من درک دیگری دارم. شاید موفق شویم قانع کنیم که تغییر لحن مطبوعات به معنای از دست دادن قدرت نبوده بلکه به این معنی است که به مفهوم بهتر و درست‌تری (حزب میثواند) استحکام و نیروی قدرت، بدست آورد. چنین استحکامی را بعنوان حزب آنگاه می‌توان بدست آورد که آنرا در جایی که وجود دارد، نزد مردم جستجو کنیم، و این برای یک حزب کمونیست، یک حزب سوسیالیست بسیار مهم است.

ما در وضعیتی مشابه لهستان و مجارستان قرار ندادیم و فکر نمی‌کنیم که راه سخت مشابهی با آنها برای اصلاحات ما درست باشد. ما باید به صراحت روشن کنیم که کشور ما در کدام مرحله است. ما با غرب قرار داریم، توجه کنیم که مفهوم مرزهای ما با غرب چیست، اینها هنوز و همواره مرز بین دو سیستم هستند. به علاوه من تصور می‌کنم که آلمان دمکراتیک به میزانی که موفق به ایجاد یک آلترناتیو در مقابل آلمان غربی شود، مردم بیشتری را به خود جلب می‌کند و به علاوه میتواند در اروپا نقش یک همکار سازنده را بازی کند، همکار سازنده‌ای برای آلمان غربی نیز به ویژه در زمانی که بسیاری از سیاستمداران دست راستی قادر نیستند چنین نقشی را برای آلمان دمکراتیک ببینند. آنها ترجیح میدهند که خود را با فکری بنکشان بدروزی بتوانند به راهی آلمان دمکراتیک را قورت بدهند مشغول کنند، در این مورد باید بگویم: استخوان در گلویشان گیر نخواهد کرد.

در آلمان دمکراتیک به اندازه کافی افرادی که نمی‌خواهند قورت داده شوند وجود دارند و این روایت استخوانها برای این آقایان ایجاد درد سر نخواهند نمود. البته وظیفه ما این است که از این استخوانها چیزهای خوبی درست کنیم و این البته دشوار است.

سوسیالیسم هدف در خودیاشیوه سازماندهی :

ادامه از صفحه ۱۲

بنیاد تغییر میکند. آنچه نبرد آزبده اتفاق خواهد افتاد در این زمان بدست می آید. هر آینه بیرون زمان دریا لکتیک بیان کنیم: یک تفاهت نمی تواند طرف دیگر را نشان دهد. بلکه یک تصمیم، یک سنتز بی وجود می آید. اینک ما سنسز چگونه خواهد بود. امروز کسی نمیتواند بگوید، با بدسیسم که چطور خواهد بود.

س: شما در باره تغییرات در جامعه شوروی سخن گفتید، سرگرای کنگره شورای نمایندگان خلق سمونه روحیتهای آراست تغییرات است.

ج: در واقع سزحایه ما تفاسیرات زیادی کرده است، اولین حوزه، جایی که در آن تغییرات ریشه ای صورت گرفته حوزه سیاست خارجی است.

دومین حوزه را تحت عنوان گلاسنوت می شناسید که به معنای دموکراتیزاسیون است. تفاسیرات در این حوزه سرخلی سریع صورت میگیرد. روند کنگره نشان داد که جامعه ما تغییرات زیادی کرده است. ما نحوه انتخاب کنگره را از اساس دگرگون کردیم و ما سادهم اکنون مشکلات اجتماعی و اقتصادی را حل کنیم.

س: رهبری شما، با رگت ایدئولوژیک به لنین را دنبال میکند. آیا دموکراتیزاسیون جاری، گامی به سوی ایده مگرایی در باره لنین که مشخصه شوراهای اول انقلاب بوده، می باشد؟

ج: ما در باره بازگشت به لنین سخن میگوئیم و مقصودمان بازگشت به پرنسپهاست که شکل داد. البته نه هر اهلپای مشخصی و که در آن زمان پیشینا دمیتمود، بلکه متدلوزی او، مقصودمان بازگشت به ایده هائی است که او بیوز در سالهای آخر حیاتش داشت. ایده آشتی دادن منافع فردی و اجتماعی: توسط روابط اقتصادی، توسط خاتمه دادن به خودبیکانگی انسان از تولید، توسعه شیوههای گوناگون مدیریت اقتصادی و توسط بازسازی مکرر تیک جامعه.

اما توسعه دادن ایده های لنین برای ما به معنای تمام پدیده های نوین در گیتی و در میهنمان را با بناسیم. ما به لنین نزدیک میشویم و در همان زمان از او دور میشویم.

س: شورای عالی اتحاد شوروی در گذشته تنها ازمبیتی ظاهری فورمال داشت.

ج: این شورا اکنون یک ارگان واقعی قدرت میباشد که تصمیمات جدی را خودش اتخاذ می کند. دولت وسیله ای است در دست این شورا، به عنوان قدرت اجراش آن و نه نهاد قانونگذاری که در گذشته نقش زیادی داشت. شورای عالی عملاً همه مسائل سیاست داخلی و خارجی را مورد بحث و بررسی قرار داده تصمیم خواهد گرفت. مثلاً تصمیم به ارسال ارتش به خارج از کشور یا دریا نیست و اروپا دادن وام به دول دیگر.

س: آیا در آینده ساختار آن حرفه ای

نمیشوند. مولدیت کار در دو سال گذشته ۲۰٪ افزایش یافته است، آنچه که ما تا کنون هرگز ندیده ایم. اما افزایش تولید را نمیتوان خورد ۱۱٪

توسازی ماشین آلات صنایع آدام دارد، اما نه به سرعتی که میل داریم، اما به حال سریعتر از بسیاری از سالهای گذشته. ساخت صنعت نیز در حال تغییر است اما هنوز محسوس نیست. در باره های از حوزه ها، تغییرات موشرواقع شده است. ما منازل مسکونی، کودکستانها، مدارس و بیمارستانهای رباتی درست کرده ایم. امروزه برای ما دو مشکل اقتصادی وجود دارد: مواد غذایی و کالاهای مصرفی

این مشکلات در گذشته نبودند. زوجه خود را آینه ما از دوما و شمس قبل به این سر، وضع طور دیگری است. یعنی سطح دستمزدها و حقوقها آشکارا افزایش یافته در حالیکه تولیدات لوازم و کالاهای مصرفی به مقدار کمی افزایش یافته است. فاصله این دو، مشکلات تا زهای برای ما ایجاد کرده است. ما سعی میکنیم تا برای این مشکل ششبروز شویم.

در دوما آینه، بهبودی های ریشه ای حاصل نخواهد شد. ولی ما یک راه حل موقت پیدا خواهیم کرد. ما باید موقیستی داشته باشیم. مثلاً ما باید در وقت کشت و کاری را تغییر و تولید کالاهای مصرفی را افزایش دهیم. برای این اقدامات به زمان نیاز داریم، ما در سال فعلی وسایل جاری ما یک سهود نسبی خواهیم داشت.

س: اولین تلاش برای رفردر کشت و کاری موفقی نبوده است. آیا انحلال محتمل کشت و کاری دلیلی بر عدم این موفقیت نیست؟

ج: نه. مسئله اصلی تغییرات در مدیریت کشت و کاری است. رفع خودسنگاری کشت و کاری از زمین. در این راه تا کنون نتایج خوبی داشته ایم. س: شما در "بگ نامه" یک رفیق گفته اند که در گذشته نامه عصر جدید "تجارب رسیده است". نوشته ای که یک مشکل مزمن تلاشهای اطلاع طلبانه در گذشته، تکرار اشتباهات گذشته در عمل بوده است و به این دلیل با بدروی این اشتباهات بیشتر کار شود. شما از کجا اطمینان دارید که این مشکل دوباره بروز نخواهد یافت؟

ج: سیستم جدید ما در سیاست و نیز در اقتصاد، تمس (عدم تکرار اشتباهات) خواهد بود. اما نقش اصلی را فعالیت مردم ایفا میکند. آنها در امور اکنون به کلی با گذشته متفاوت است. اگر کسی خواهد بود و راه مثل گذشته عمل کند و او همسر خواهد بود.

س: شما تا چندی پیش حاشین اول یکی از شعرات حزب بودید. اکنون شما مشاور شخصی گورباچف هستید. آیا این برای شما یک ترقی است؟

ج: شما بهتر میدانید. همه قدرت به دست شما است!

مترجم: مهران - ف

خواهید داشت و نه صرفاً کارهای حری؟

ج: شما را از انقلاب اکثریت بعد از آن بوده: قدرت در دست مردم، حالاً ما به این شعار عمل میکنیم. حزب یک قدرت ایدئولوژیک و سیاسی است، ما یک ارگان تصمیم گیرنده نیستیم.

س: گام بعدی در فرمهای سیاسی چه خواهد بود؟

آیا شوراهای مناطق و جمهوریها ایجاد خواهند شد؟

ج: بله، این تدابیر سیاست کنونی خواهد بود. شوراهای جمهوریها و مناطق باید قدرت بسیار زیادی داشته باشند. قدم مهم بعدی عبارت خواهد بود از ایجاد در سطح جدیدین مرکز و دولت فدرال، ما باید توسعه فدراسیون خود را ادامه دهیم.

س: در اصل، روند تفکیک بین حزب و دولت آغاز شده است. با این روند ما بسیاری بردشتهای از سوسیالیسمی اعتبار میشود.

ج: امروزه در میان ما راجع به اینکه سوسیالیسم چیست، مسائلی درگیر شده است. آیا سوسیالیسم هدف نهایی است یا یک وسیله، یک روش است؟ در اجتماع ما کدما من مضمون را برای سوسیالیسم متحقق شده مسخاوم. این مباحث هنوز فرجامی نیافته است. اما من تصور میکنم که هدف اصلی ما عبارت است از: یک زندگی بهتر برای انسانها، دموکراسی بیشتر، رفوع از خودی، گانگی و ایجاد شرایط فاضل توسعه و ترقی همه.

ج: سوسیالیسم برای این اهداف یک راه است و نه یک هدف فی نفسه. از همین رو تمام رفرمهای ما در این راستا سیر میکنند. سوسیالیسم برای ما به این معنی است: جامعه ای که در آن زحمتکاران زندگی بهتری را داشته باشند.

س: گورباچف در کنگره نمایندگان خلق، یک حکم سیاسی را اعلام نمود: تمام مشکلات سیاسی داخلی ما باید، بطریق گفتمو حل شوند. اما درگیرهای ماه آوریل در گرجستان، عکس این حکم را نشان داد.

ج: در باره موضوع مزبور در کنگره مصلحت شده است. آن حوادث، اشتباهاتی فاجعه ساز بود و نه یک فاجعه. ما میخواهیم که مشکلات را به سهو بحث و گفتگو دموکراتیک و با روش دموکراتیک حل کنیم.

س: آیا با این حملات خارج موافق نیستید که مردم به مقامات اعتماد ندارند و موقیتهای مردم در این عقیده وی است. به نظر من انتخاب خورا و انتخاب رفیق گورباچف نشان داد که اعتماد متقابل وجود دارد.

س: آیا برسترویکا مشکلات اقتصادی شما را شد داده است؟

ج: نه این مطلقاً غلط است. در آغاز یک سال برسترویکا با سنگین دوره های قتل را بدوش داشت. وضع الان بهتر شده است. ما خیلی چیزها را تغییر داده ایم. ولی این تغییرات هنوز دیده

منوچهر محتجوبی

ادامه از صفحه ۹

از دست افراشته بیرون کشید، و افراشته دیگر هیچ کاره بود. شعرهای افراشته از این به بعد فدا قرارش شد، چرا که شعرهای دستوری و حزبی بود، و این خب، ضربه ای بود که حزب توده به هنر روزنا مهنویسی و طنزنویسی زده است. چیزی که در حال حاضر چرب ایران، به نوعی پذیرفته که خطا بوده و تلاش

میکنند مگر تیک ترورتا رکنند و کوشش نکنند نظرش را به مطبوعات تحمیل کند، که این البته تازگی دارد، و گرنه هیچ گروه سیاسی ای بدش نمی آید که نشریه ای سیاسی و موفقی را در دست خود گیرد و از موفقیت آن استفا ده کند. بهر حال چرب ایران مساله را دریا فته است و شاید بدم بخاطر مفاومت روزنامهها بود. در اسطه با آهنگر بر خورد خوبی می شد، حمایت و نگاه انتقاد، و این رابطه ای بود خوب و بالغ به نظر من.

ادامه دارد

سوسیالیسم: هدف در خودیاشیوه سازماندهی

سما حسه ای سا وادیمزاکلادسن منا ورکوریب چف سرکرمته از فولکس سائترنگ ۹۰ ژوئن ۱۹۸۹

سوسیالیسم: هدف در خودیاشیوه سازماندهی؟
 سما حسه ای سا وادیمزاکلادسن منا ورکوریب چف سرکرمته از فولکس سائترنگ ۹۰ ژوئن ۱۹۸۹ مترجم - مهرا ن - ف

س: آقای گونترگاوس درمما حسه اش با اینروزنا به سایش مرض اینکسیستم یا لتا زودترا زحدا ننتظار درحال واشدن است خواستار یک سیستم جدید در شریک مساعی اقتصادی و سیاسی در اروپا بود، سه شرط اینکسیستورها ی عضویمان ورشوعلا مکن یک نوع فنلاندبیره شدن راداشته ما شند.

ج: امروزما درعمل دیگرسیستمبا لستیا را نداریم. هدفشائی ما این است که سلوکوپا بر- جده شوند. اما این، امروزه غیرممکن است. از این روما پیشنها دمیکسنگه روا بسطین شرق وغرب تغییرکنندوبه سمت روابط سیاسی گام بردارد. سلوکوپا با بد سازگفتگوی سیاسی درساره مسلح وطلع صلاح شوند. سبانه اخیربیمان ورشکه چند روزپیش انشأ رفت سیزچسین مضمونی دارد. واما دربارۀ فنلاندبیره شدن، درواقع این واژه خاصی است، فنلاندفنلاند است ولهستان لهستان. از یک طرف ما روابطخوسی ما فنلاند داریم، این روابط نمونه خوسی ازمناسبات بین کشورهای ما نظامی مختلف هستند. درواقع امروزایجاد شرایط جدیدمطلوب دراروپا در دستورکا وقراردارد، خطوط اساسی سبائی آئی قاره اروپا هم کنشون شکل گرفته اند، درودریک روندتنام اروپائی توسعه می یابند. مثلاً مذاکرات وین پیشرفتهائی قاسل ملاحظه ای داشته است، از نظر من، این یک چیز- خوب موجود است. ما دلیلی نداریم که شیوه ای را که تاکنون ساخته ایم بوردست داریم و نگذاریم و چیزجدیدی را جستجوکنیم. سه همسین نحو عملی خوب است وادامه خواهد داشت.

س: این سه معنی وجودیستهای احتمالی گوناگونی درداخل هر یک از سلوکوپا نیزمی تسواند یابند؟

ج: هم اکنون درداخل هر بلوک، یک تنظیم اجتماعی واحدی وجود دارد، اما اشکلهائی گوناگون درچگونگی توسعه که منظر من طبیعی است. ما تفاوت بین کشورها را لازم می دانیم، اگرچه آنها متعلق به یک سیستم باشند. س: در این روند ممکن است تغییرات سریع تر به سمت در لهستان و محارستان، آنها را سریع تر به سمت کشورهای سارا را مشترک اروپا سوق دهد.

ج: در رابطه ما بین تمام کشورهای شرق وغرب با بد شکل نوین تنیدگی اقتصادی توسعه ما ساند. این تنها به محارستان و لهستان محدود نمیشود، بلکه ما بدتامل ثوری وکشورهای دیگر نیزشود. آنچه که هم اکنون در روابط اقتصادی آلمان فدرال وجود دارد، ما بدتامل سائترنگورهای اروپائی نیزشود.

س: متحدان غربی آلمان در آخرین منازعات سرسراکتها (مقصد دعوائ بین ناتودر مسورد مدرسزه کردن مونیکهای سردکوتاه است)، هراس خود را از آن نوع تغییراتی در اروپا که "مسئله آلمان" را مجدداً طرح کنند نشان دادند.

ج: در اینجا در آلمان فدرال، همواره در ساره

مسئله آلمان (مقصوداً اصطلاح "وحدت دولت آلمان است - م) محبت میشود، اما در این سرفرعلیم برای اولین سار متوجه نکته نازهای شدم: تمام افرادی که طرف گفتگوی من بودند معتقدند که طرح مسئله مزبوراً امروزه غیرواقعی و غیر معیاد است. در ساره آنچه که در آینده رخ خواهد داد، ما بدصبر کردوید. اما وضعیت امروز همان است که ملاحظه میکنید. این وضعیت تغییر نمیکنند، ما باروا سائترنگ در آلمان میتوان بدبتر شود

س: برای آلمان دمکراتیک، زیرسؤال رفتن نظام سوسیالیستی آن، سه معنای زیرسؤال رفتن موجودیت آن نیز هست درحالیکه این مسئله برای لهستان و محارستان سه نحو مزبور نیست.

ج: من فکر میکنم که رفتن محاری، جنگ و لهستانی خواستار روسیا لبسم هستند، آنرا توسعه میدهد و در جستجوی روشهای نوینی برای اساس توسعه میباشند، این کاملاً درست و قابل است.

اما آنچه که آلمان به مگرانگ مربوط میشود این است که کشوری است خودبیره که مستوان کشور سوسیالیستی توسعه میابد. ما دوستان خوسی هستیم و ما مثل و تحولات داخلی آنها، سه خودشان و تنها به خودشان مربوط است.

س: مجارستان موانع مری خود را برمیچید ایحادیک خانه اروپائی، چه شائی مری در مورد دیوار برلین خواهد داشت؟

ج: در ساره کدام دیوار محبت میکنیم؟! اگر بطور کلی در ساره دیوارها و مرزها بحث کنیم، در آن صورت ما با بد اروپائی خودمان را توسعه دهیم و ارتباط بهتر بین تمام ملتها و کشورها را ممکن کنیم. اما وقتی دیوار به مفهوم سمبل تفاوت دو سیستم مورد نظر است، در آن صورت تنها راه حلقه میتوانند آنرا بشنیرد. در جیدن دیوار خارج از ساره ما ست، زیرا بر جیدن سیستم سرمایه داری خارج از ساره ما ست و این سیستم نیز نمیتواند سوسیالیسم را بسازد. اگر مقصود از دیوار بقایای جنگ سرد و مفاصله حوشی ما ساند، چنانسین دیوار با بد سرچیده شود، اما ما شوه همکاری، تفاهم سوشورپا ساند و دادن سه دشمنی.

س: اگر در ساره تحولات اروپا، بیشترتا مثل کنیم آن موضوع نزدیکی و انطبا ق دوستیم که شما همواره رد کرده اید بدبیت نمی آید؟

ج: انطبا ق یک واژه غلط است. آب و آتش را نمیتوان مخلوط کرد، درحالیکه نزدیکی و انطبا ق دوستیم، یعنی ساختن یک مخلوط، یک کوکتل، ترکیب و مخلوطی از هر دو سیستم غیرممکن است.

سیستمهای باقی میمانند، اما در این میان مشکلات دیگر نیز وجود دارد که فقط مشترکاً میتوانیم حل کنیم، مثلاً، روشهای ریائی وجود دارد که ما در هر دو سیستم به آنها احتیاج داریم، روشهای مشترک، اما ما تفاوت های خاص خود، و ما لاسره و معیت جدید در اروپا، مثلاً در ثوری، گلاسنوست، دموکراتیزاسیون، شماسهای روسه افزایش سائترنگورهای غربی جعلگی شرایط لازم برای نزدیکی ما سانه میان سیستمها، بلکه میان کشورها و خلقها را فراهم میسازد. سیستمها ما ساند، اما رابطه سانس بقیه در صفحه ۱۱



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در ساره کارگرها

★ برنامه های براساری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتسا ه ردیف ۷۵ متر برابریا ۴ مگهرتز پخش میشود. این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد.

★ جمعه های برنامه ویژه پخش میشود.

★ **برنامه های صدای کارگر ویژه کردستان:**
 ✪ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابریا ۴ مگهرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.

✪ **جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود.** این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه تکرار میشود.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

تصحیح وپوزش

در پیام کارگر شماره ۵۲ بعضی اشتباهات چاپی و فنی و جا افتادگی وجود داشت که ضمن پوزش از خوانندگان تصحیح میگردد.

- در گزارش از مبارزه پناهندگان در دین هوفن در صفحه ۳ دوسطر ۱۰ و ۱۱ از این گزارش جا افتاده که از اینقرارند...

... پناهندگی حوشی میمانند و در خیلی از موارد، تقاضاها پناهندگی میشود، که به حرکت وسیع و شونه ای ۵۰۰ صفحه ۵ - هنر، نام حمدنا ملوا شت ها در بالای صفحه ۵ که با بد در بارای شعرایین صفحه قرار گیرد. صفحه ۱۶ - خط اول مراسم بزرگداشت شهید مدیقی کمانگر، کلمه کاردا شت ها بجای کاردا مده است.

با پیام کارگر همکاری کنید!